

مستندهای «بحران آب»  
گفت‌وگو با کارگردان‌های مستندهای  
«مادر کشی»، «ناخدا سلیمان» و ...



مستندهای «بحران آب» در گفت‌وگو با رامبد جوان

## لطفا وحشت نکنید!

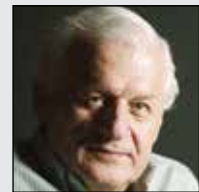


جشن تولد ۶۶ سالگی ناصر حجازی

۲۰ استقبال از نمایش مستند «من ناصر حجازی هستم» در اولین روز جشنواره

مستندسازان را پشیمان نکنید

۶ گفت‌وگو با محمد مهدی طباطبایی نژاد دبیر نهمین جشنواره «سینما حقیقت»



پیدایش سینما با فیلم مستند بود. فیلم مستند تنها یک تصویر نیست، بلکه مجموعه‌ای تصاویر مسلسل وار کنار هم هستند و به ما چیزی نشان می‌دهند که تاثیر حیرت‌آوری در ذهن مخاطب می‌گذارد. یک ضرب‌المثل چینی سه‌هزار ساله می‌گوید: «یک تصویر بیش‌تر از هزاران کلمه سخن می‌گوید.» و تا قبل از پیدایش نرم‌افزار فتوشاپ می‌گفتند: «دیدن، باور کردن است.» کلمه‌ی مستند از سند و ادله می‌آید و کسی قادر به کتمان آن نیست، اما در حال حاضر تمام قضات عالی رتبه در دنیا می‌گویند صدا و تصویر موضوع دادگاه پسندی نیست چرا که انواع و اقسام نرم‌افزارها برای جعل صدا و تصویر وجود دارد. اما بر مبنای روان‌شناسی نمایشنامه‌ی هملت در دادگاه‌ها، قضات از همین شیوه استفاده می‌کنند و به شخصی که تصویر را می‌بیند، نگاه می‌کنند تا متوجه شوند چه آثاری در چهره و صدای متهم نمایان می‌شود. اگر در پس‌بدترین مستند که ضعیف‌ترین کارگران آن‌را می‌سازد، نیت ناپاکی نباشد، ارتقای دانسته‌های مخاطبان امکان‌پذیر می‌شود.

امروزه نسل جدید به میدان آمده و مستند پرتره و مردم‌نگاری می‌سازد و به‌طور غیرمستقیم به من بعد از ۴۲ سال تدریس در دانشگاه‌ها، یادآوری می‌کند که فیلم جدید او را ببینم. وقتی برخی از این فیلم‌های خوب را می‌بینم، که سازنده‌ی آن‌ها هم صاحب‌نام و شهرت چندانی نیست، آن‌ها را تحسین می‌کنم. مستندسازان جوان و موفق امروز با بودجه‌ی تقریباً صفر و دست‌خالی کار می‌کنند و گاهی آن‌قدر از خوب بودن این مستندها حیرت می‌کنم که رویه‌روی آینه خود را سرزنش می‌کنم. اگر جهان به‌غیر از این باشد، دنیا پیش نمی‌رود و قانون دنیا یادآوری می‌کند که فیلم‌سازان امروز باید بالاتر از سطح ابراهیم گلستان و خسرو سینایی که احترام آن‌ها را هم چنان همراه خود دارند، باشند. امروز آن هنری در ادبیات، عکاسی و فیلم‌سازی ماندگار می‌شود که نوآوری داشته باشد.

معتقدم به‌خصوص در سال‌های اخیر و با وجود سه هزار مستندساز چیره‌دست در سراسر این خاک پهناور، مستندهای اجتماعی و مردم‌نگاری موفق ترند چون مستندسازان ما می‌دانند تجهیزات و بودجه‌ی بی‌بی‌سی مستند را ندارند و به همین دلیل سراغ این نوع مستندسازی افرادی می‌روند.

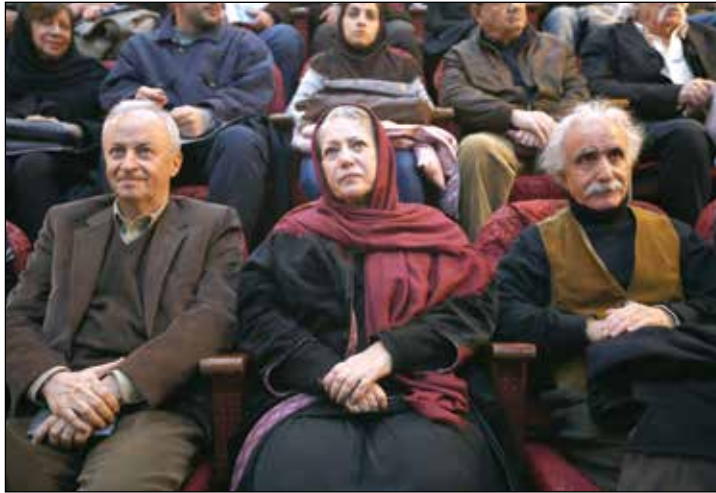
من به آینده‌ی سینمای مستند امیدوارم و اگر مستند را به حال خود بگذاریم، رشد می‌کند. مستند در دوره‌ی محمد آفریده شد. قابل توجهی داشت؛ بعد از آن دوره‌ی افول خود را طی کرد و دوباره با مدیریت طباطبایی‌نژاد در حال رشد است. دوست دارم زیر سایه‌ی مدیریت حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، مستند هر روز شکوفاتر شود. باید به این نوع سینما احترام چند برابر بگذاریم، چون یکی از پایه‌های اصلی سینمای مستند، تحقیق و پژوهش است.

## مراسم بزرگداشت محمدرضا مقدسیان در اولین روز جشنواره

# او همیشه در میان ماست

جشنواره‌ی امسال دو مراسم بزرگداشت دارد. دپروز اولین مراسم بزرگداشت برگزار و در آن از زنده‌یاد محمدرضا مقدسیان تقدیر شد. مقدسیان سال گذشته جزو داوران جشنواره‌ی سینما حقیقت بود که در خردادماه امسال به دلیل مشکلات تنفسی و عفونت داخلی درگذشت. مقدسیان از مستندسازان پیشکسوت بود که در طول ۳۳ سال، بیش‌تر از ۳۵ مجموعه‌ی تلویزیونی و فیلم‌های مستند کوتاه و بلند را کارگردانی و تهیه کرد.

اشاره کرد: «ما به مدت ده سال هر دو هفته یک بار به زندگی مردم حاشیه‌نشین در تهران و شهرهای دیگر پرداختیم. این سفرها برایمان ارزش فکری زیادی داشت. ما در این سفرها آموختیم چگونه این آسیب‌ها را ببینیم.» اصلانی درباره‌ی نگاه مستندسازی اجتماعی مقدسیان گفت: «گاهی اوقات مستند آسیب‌شناسی با ضعف‌نمایی و حقارت همراه است. اما فیلم‌های مقدسیان نگاه دیگری به این مستندها را مطرح می‌کند. او در مستندهایش رنج‌ها و ظلم‌ها را می‌بیند همه‌ی این‌ها را در یک فیلم مستند حماسی نشان می‌دهد.» در آخر اصلانی این‌طور گفت که مقدسیان به خاطر فیلم‌هایش همیشه در بین ما خواهد بود. بعد از صحبت‌های اصلانی از همسر مقدسیان، زهرا گرامی، دعوت شد که روی سن بیاید تا محمد مهدی طباطبایی‌نژاد، دبیر نهمین جشنواره‌ی سینما حقیقت، به رسم یادبود لوح تقدیری به او اهدا کند. اما بغض نگذاشت که گرامی حرف بزند و بعد از یک تشکر جمعی از روی سن پایین آمد تا تماشاچیان آخرین مستند محمدرضا مقدسیان را تماشا کنند. مستندی که باعث شد در روز اول جشنواره سالن شماره سه سینما فلسطین از جمعیت پر شود.



مقدسیان روی سن آمد و درباره‌ی او این‌طور گفت که مقدسیان همیشه با او بوده و فکر می‌کند که هنوز هم با او همراه است. او گفت: «با این که فاصله‌ی سنی کمی از هم داریم، اما او به جای فرزندم بود. او هم خاطره‌ی زندگی، کاری و تاریخی من است. ما با هم سفرهای زمینی و فکری زیادی کردیم. مسیره‌ایمان از هم متفاوت بود، اما اندیشه‌های زیادی را باهم بالا و پایین کردیم.» اصلانی به سفرهایی که در دوره‌ی ده ساله با مقدسیان رفته بود

سالن مراسم جنبی جشنواره آن هم در روز اول پر از جمعیت بود. در مراسم بزرگداشت محمدرضا مقدسیان، رخشان بنی‌اعتماد به همراه جمعی از پیشکسوتان سینمای مستند، محمدرضا اصلانی، محسن عبدالوهاب و حمید جعفری به سینما فلسطین آمده بودند تا آخرین مستند زنده‌یاد مقدسیان «خیلی خیلی محرمانه» را در جمع خانواده و علاقه‌مندان او تماشا کنند. قبل از تماشای فیلم محمدرضا اصلانی، مستندساز و از دوستان همیشه همراه



**کیارش زندگی:** داستان ساخته شدن این فیلم با دو اس ام اس از طرف حمید جعفری برای من شروع و تمام شد. دو اس ام اسی که هر دوی من را لرزاند و یکی باعث شوق من شد و دیگری باعث شوک. من در طول ساخت این مستند درس‌های زیادی مانند امانت‌داری، احترام به مخاطب و شاد بودن در سخت‌ترین شرایط را از او یاد گرفتم. او خیلی تلاش کرد تا شرایط سخت این حرفه را به تصویر بکشد. آزادی و استقلال رسانه‌ای ایشان سرمشق من در مسیر حرفه‌ای است. ایشان برای من و امین مؤیدی و دوستان دیگر چراغ راه را روشن کردند در فضایی که زنده‌یاد مقدسیان فراهم کرد، پرورش یافتند.



**حمید جعفری:** مقدسیان از دهه‌ی هفتاد تلاش کرد تا مستندی درباره‌ی مطبوعات بسازد، اما به دلیل شرایط اجتماعی امکان ساخت چنین مستندی فراهم نمی‌شد. او تلاش کرد تا مستند «جمهوریت» را درباره‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی و مستندی درباره‌ی دو خبرنگار زن بسازد که آن‌ها هم بنا به شرایط اجتماعی متوقف شدند. در بعضی موارد هم مسوولان روزنامه‌ها تمایل به ساخت مستندی درباره‌ی رسانه‌شان نداشتند. ساخت فیلم «خیلی خیلی محرمانه» بعد از تغییر شرایط اجتماعی در سال‌های اخیر امکان‌پذیر شد. این مستند با ایده‌آل‌های مقدسیان فاصله‌ی زیادی دارد. اما او از ایده‌آل‌هایش کوتاه آمد تا این فیلم ساخته شود.



**محسن عبدالوهاب:** یکی از آرزوهای دیرینه‌ی مقدسیان رعایت حق تالیف بود. حالا زمانی رسیده که به سمت رعایت این حق برویم که اسمش روی خودش هم است؛ حق تالیف. نمی‌خواهم از مسوولان و دیگران شروع کنم. حرفم این است که می‌توانیم رعایت این حق را از جمع‌های خودمان شروع کنیم و حتی اگر ایده‌هایی در جمع‌های دوستانه‌مان مطرح می‌شود به حق مولفش پایبند باشیم و یادمان باشد که رعایت این حق، مرحمتی نیست که ما به دیگران می‌کنیم. مقدسیان هفده، هجده فیلم مستند دارد که هیچ حق و حقوقی درباره‌شان رعایت نمی‌شود. فیلم‌ها در آرشیو صدا و سیما، حوزه‌ی هنری و قانون پرورش فکری فقط خاک می‌خورند.



### جایزه هنر و تجربه به برگزیده جشنواره سینما حقیقت

شورای سیاست گذاری گروه سینمایی هنر و تجربه برای اولین سال، از میان فیلم‌های ایرانی بخش مسابقه‌ی نهمین جشنواره‌ی «سینما حقیقت» به بهترین فیلم از نگاه این شورا، تندیس هنر و تجربه و ۸۰ میلیون ریال جایزه‌ی نقدی اهدا می‌کند. امیرحسین علم‌الهدی، سیف‌الله صمدیان، هوشنگ گل‌مکانی، ایرج تقی‌پور، شهرام مکرری، صانعی مقدم و جمال امید اعضای شورای سیاست‌گذاری گروه سینمایی هنر و تجربه را تشکیل می‌دهند که قرار است آثار بخش مسابقه‌ی ملی «سینما حقیقت» را داوری کنند.

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

شماره ۲، دوشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival  
No.2, Mon, 14<sup>th</sup>, Dec 2015

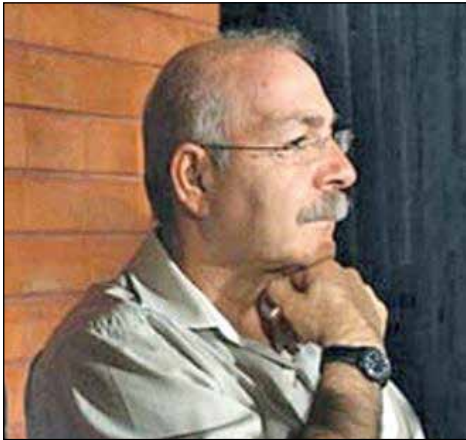
۳

# ۱۱

درصد

مستندسازهای زن ۱۱ درصد از شرکت‌کنندگان در جشنواره‌ی امسال را تشکیل داده‌اند. امسال ۹۱ فیلم از ۷۹ فیلم‌ساز زن به دبیرخانه‌ی جشنواره فرستاد شد. این رقم در مقایسه با مشارکت کارگردان‌های زن در سال گذشته کمی پایین‌تر است. اما تفاوتش آن قدرها هم چشم‌گیر نیست و هم‌چنان زنان فیلم‌ساز در این دوره‌ی جشنواره هم حضور پررنگی داشته‌اند.

## اولین کارگاه‌های جشنواره برگزار شدند



برگزاری کارگاه‌های آموزشی نهمین جشنواره «سینما حقیقت» از امروز در فرهنگستان هنر آغاز می‌شود. رضا تیموری، مدیر فیلمبرداری با سابقه سینمای ایران از ساعت ۱۰ تا ۱۳ کارگاه «از انتخاب دوربین تا تصحیح رنگ در فیلم مستند» را برگزار می‌کند. کارگاه «صدا، سکوت، موسیقی» هم از ساعت ۱۴ تا ۱۷ توسط فرشاد فداییان از مستندسازان به نام سینمای ایران که در هیأت داوران این دوره از جشنواره هم حضور دارد؛ برپا می‌شود.

### داریوش اسدزاده؛ باز یگر

مستند «زندگی و دیگر هیچ» قسمتی از زندگی و سرشت بازیگری بوده که در مدت هفتاد و دو سال در راه هنر نمایش به تصویر کشیده شده است. لازم است هنردوستانی که به هنر نمایش و تئاتر علاقه‌مند هستند توجه داشته باشند که باید عاشق دل‌خسته‌ی این حرفه بود. چون این هنر و حرفه پستی و بلندی و ناراحتی‌هایی خواهد داشت که صبر و حوصله و استقامت لازمی آن است.



# ۸۰۰

فیلم

امسال بعد از فراخوان نهمین جشنواره‌ی «سینما حقیقت» در مجموع حدود ۸۰۰ فیلم به دبیرخانه‌ی این جشنواره فرستاده شد. در نهایت از بین این تعداد فیلم، هیأت انتخاب جشنواره حدود صد فیلم را برای نمایش در بخش مسابقه‌ی ملی انتخاب کردند. در این بخش ۱۲ فیلم کوتاه، ۳۴ فیلم نیمه بلند و ۲۸ فیلم بلند در بخش مسابقه نمایش داده می‌شوند.

## ویژه‌نامه روزنامه «صبا» برای جشنواره



روزنامه سینمایی صبا هم‌زمان با آغاز نهمین دوره‌ی جشنواره «سینما حقیقت» با انتشار یک ویژه‌نامه‌ی چهار صفحه‌ای رویدادهای این جشنواره را انعکاس داد. در اولین ویژه‌نامه نهمین جشنواره‌ی بین‌المللی سینمای مستند، روزنامه‌ی «صبا» با تیتر «آغاز حقیقت» علاوه بر انتشار برنامه‌ی نمایش فیلم‌های روز اول با کارگردان‌های چهار فیلم «۷۴»، «من ناصر حجازی هستم»، «پیر مرد و دریا» و «زندگی و دیگر هیچ» گفت‌وگو کرده است. داریوش اسدزاده هم در این ویژه‌نامه یادداشتی درباره مستند پرتره «زندگی و دیگر هیچ» که درباره زندگی و بازیگری او ساخته شده؛ نوشته است.

### کریم یوسف؛ مستندساز بلژیکی

نام جشنواره‌ی حقیقت مانند دعوت‌نامه‌ای است که باید باز کنید و آن را بپذیرید. چون این جشنواره در جهان شناخته شده است. به اعتقاد من فیلم‌سازان ایرانی از نسلی هستند که جرأت می‌کنند با سینما جدل کنند و دیوار چهارم را فرو بریزند و ثابت می‌کنند که قصه‌ی خوب گفتن چندان اهمیتی ندارد. مرز قائل شدن میان قصه، مستند و شاعرانه بودن نکته‌ای است که با دیدن فیلم‌های مستند ایرانی شروع به کشف آن کرده‌ام.



# ۴۸

فیلم

در روز اول جشنواره‌ی «سینما حقیقت» ۴۸ فیلم نمایش داده شد. طبق برنامه‌ی اعلام شده نمایش فیلم‌های روز اول ساعت ۹:۳۰ صبح فیلم مستند «مکن فراموش مرا» در سالن شماره یک سینما فلسطین شروع شد. بعد از آن تا پایان روز اول در مجموع چهل و هشت فیلم در سالن‌های مختلف سینما فلسطین و سپیده برای مستندسازان و علاقه‌مندان سینمای مستند اکران شد.

## حجت‌الله ایوبی: مستندسازان از تلویزیون انتظار حمایت دارند



حجت‌الله ایوبی در اولین روز برگزاری جشنواره «سینما حقیقت» با «مجله تصویری خیابان نهم» درباره سینمای مستند و رابطه تلویزیون و سینمای مستند گفت‌وگو کرد. ایوبی در این گفت‌وگو تاکید کرد که مستندسازان از تلویزیون انتظار حمایت دارند: «انتظار اهالی سینما، جوانان و مستندسازان این است که در جبهه اول تلویزیون از آن‌ها حمایت کند. تعداد پرده‌های سینما در کشور ما کم است و این تعداد در مقایسه با تعداد فیلم‌های سینمای ایران، باورنکردنی است. در گروه «هنر و تجربه» هم گام کوچکی برداشتیم تا مستندسازان دیده شوند اما امید اصلی ما هم‌چنان تلویزیون و در بین شبکه‌های مختلف به شبکه مستند است.»

### محمد شکیبانی؛ تهیه‌کننده

من نیمی از فیلم‌های حاضر در بخش مسابقه‌ی ملی را دیدم و باید بگویم فیلم‌های امسال که با سخت‌گیری انتخاب شدند، واقعا کیفیت جشنواره را بالا برده است. هم‌چنین بسیار خوشحالم که در این دوره جزو هیأت داوران نیستم چون داوری آثار جشنواره‌ی نهم واقعا کار سختی است. هر انتخابی که امسال از طرف هیأت داوران انجام شود، حتما با اعتراض‌هایی روبه‌رو خواهد بود، چرا که تعداد قابل توجهی فیلم خوب در جشنواره‌ی امسال حضور دارند.





# آدم‌های بزرگ، تصمیم‌های بزرگ

شش فیلم در اولین «شب نقد» با حضور کارگردان‌های آن‌ها نقد و بررسی شد

«کربلا جغرافیای یک تاریخ»

■ کارگردان: داریوش یاری  
■ موضوع مستند: دینی

**داریوش یاری:** «کربلا جغرافیای یک تاریخ» دغدغه شخصی‌ام بود و می‌خواستیم دیدگاه خاص خود را به نمایش بگذاریم. ما ۱۷ ماه روی این موضوع که صدای راوی مستند نباید هیچ حسی را برانگیزد، فکر می‌کردیم. در ابتدا گوینده خوبی برای فیلم انتخاب کردیم که با فراز و فرود صدای خوب، مستند را روایت می‌کرد اما به این نتیجه رسیدیم که صدای راوی از دقیقه ۲۰ به بعد ممکن است ذهن مخاطب را خسته کند و قصدمان این بود که تصویر مستند با مخاطب ارتباط برقرار کند و صدایی در نهایت انتخاب شد که هیچ احساسی را به رخ نکشد. شهاب حسینی را انتخاب کردیم که او هم با صدا و لحنی خنثی باعث شد احساسات مخاطبان با صدا تحریک نشود و تصاویر و داستان فیلم موثر باشند. می‌خواستیم از درون یک جنگ یک نگاه شاعرانه داشته باشیم و از درون نگاه شاعرانه نیز حماسه بر خیزد. فیلم با این جمله شروع می‌شود که آدم‌های بزرگ با تصمیم‌های بزرگ شناخته می‌شوند و به همین دلیل بعد از هفت سال تحقیق و پژوهش تصمیم گرفتیم این فیلم را بسازیم.

**خسرو نقیبی:** راوی در این فیلم هیچ حسی ایجاد نمی‌کند و موضوع جدیدی را مطرح نمی‌کند و بهرغم اینکه از تمام فن‌های تعزیه، مدرن و پرده خوانی استفاده کرده است، لحن غیر حماسی دارد. فرمی که برای فیلم در نظر گرفته شده، در یک خط مشخص نبود و قصه مرا به این که ادامه آن را ببینم ترغیب نمی‌کند. ما برای روایت حجم زیادی از تاریخ ناچاریم به برهه‌های مختلف سفر کنیم و گرنه من را به عنوان بچه شیعه و نه مخاطب برون مرزی تکان نمی‌دهد.

سه زن

■ کارگردان: مصطفی امامی  
■ موضوع: مستند اجتماعی

**مصطفی امامی:** من در این چند سال این قدر فیلم‌های مستند اجتماعی تلخ دیده بودم که از این نوع فیلم‌نگاری خسته شده بودم. من می‌خواستم با یک نگاه دیگری سراغ این موضوع بروم تا بیننده‌ی فیلمم از تماشای آن اذیت نشود و به او نشان دهم که در کنار تخریب می‌تواند امیدوی هم وجود داشته باشد. دو سال طول کشید تا بتوانم با این سه زن ارتباط برقرار کنم. داستان در شهر نهبوند می‌گذرد. شهر کوچک است و همه هم را می‌شناسیم و من هم از قبل با این خانواده، گذشته‌اش و به طور خاص این سه زن آشنا بودم. اما در اواسط فیلم آرزو می‌کردم ای کاش هیچ آشنایی با این خانواده نداشتیم. چون آن‌ها حرف‌هایشان را نگه می‌داشتند و بیرون کشیدن حرف‌های درونی ترشان واقعا دو سال طول کشید. مثلا مریم تازه داستان خواستگارش را دقیقا در سال دوم و بعد از ماه‌ها رفت و آمد به خانه‌شان برایم تعریف کرد.

**خسرو نقیبی:** وقتی این مستند را دیدم، اولین سوالی که برایم پیش آمد این بود که چرا کارگردان سراغ این ایده رفته و خط اصلی داستان او چه بوده است؟ به نظرم کارگردان زیرکی خوبی در ساخت این فیلم به خرج داده است و تماشاگر را به تدریج با موقعیت عجیب و غریب این سه زن آشنا می‌کند. او در آخر فیلم جایگاه معنوی‌ای را که این خانه در این مستند دارد، به ما نشان می‌دهد. جایگاهی که اگر از ابتدا به سراغش می‌رفت، تماشاگر فیلم را پس می‌زد و آن را تماشایی نمی‌کرد. همین زیرکی باعث شده تا فیلم اصلا لحن سفارشی به خودش نگردد. فیلم به شدت از سیاه‌نمایی فاصله می‌گیرد. این کار به همت قاب‌های شکیلی است که کارگردان از آن‌ها استفاده کرده است. قاب‌هایی که هر چند از دل فقر بیرون می‌آیند اما می‌شود گفت که زیبا هستند و اصلا حال بیننده‌ی فیلم را بد نمی‌کنند.

من ناصر حجازی هشتم

■ کارگردان: نیما طباطبایی  
■ موضوع مستند: پرتله

**نیما طباطبایی:** فیلم روایتگر زندگی ناصر حجازی از کودکی یا مرگ است. در واقع در این فیلم می‌بینیم که ناصر حجازی چگونه به کسی تبدیل می‌شود که مردم لقب اسطوره را به او می‌دهند. سخت‌ترین کار جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی ناصر حجازی بود. چون آرشیو کاملی از فعالیت‌های او و زندگی‌اش وجود نداشت. ما زندگی حجازی را به پنج سرفصل از مقاطع مختلف تقسیم کردیم. ما می‌خواستیم این مستند را به روش سینمایی بسازیم. برای همین ابتدا خسرو نقیبی اطلاعات زندگی ناصر حجازی را جمع‌آوری کرد تا براساس آن‌ها متن نوشته شود. اما با وجود همه‌ی این سختی‌ها تهیه‌کننده در تمام مدت در کنار تیم بود. او ریزنی‌هایی با آرشیو صدا و سیما انجام داد و باعث شد تا ما در فاصله‌ی زمان‌های مختلف به آرشیو صدا و سیما برویم و از فیلم‌های آرشیوی استفاده کنیم.

**خسرو نقیبی:** هر چند من نویسنده‌ی این فیلم بودم، اما به‌عنوان منتقد هم می‌توانم تایید کنم که «من ناصر حجازی هشتم» فیلم خوبی است. این فیلم، فیلم موضوع‌داری است و نکته‌ی فیلم هم در همین موضوع‌داری آن است. به نظرم فیلم باید لحن صراحت‌گونه و تند و تیز خود ناصر حجازی را می‌داشت. ما هیچ حرفی در دهان او نگذاشتیم و همه‌ی حرف‌های فیلم، از بان او و اول شخص است. این بخش از فیلم، حرف‌های خود حجازی است. حرف‌هایی صریح و بعضا تند. ما همین لحن حجازی را برای لحن کلی فیلم هم انتخاب کردیم. این لحن در قسمت‌هایی از فیلم که تصویرهایی از خود ناصر حجازی را داشتیم به‌راحتی درمی‌آمد. اما در بخش‌هایی از او گفت‌وگوهایی که در مطبوعات داشتیم خطاب به ناصر حجازی به صورت دوم شخص روایت می‌شود.

یادداشت

EDITORIAL

## جامعه پیشرفته با جزئیات کار دارد

مهدی گنجی

مستندساز



امسال در بخش بین الملل جشنواره‌ی «سینما حقیقت» شاهد فیلم‌های درخشانی هستیم که با تماشای آن‌می توانیم باروش‌های جدید روایت و درام‌پردازی در سینمای مستند آشنا شویم. اما امیدوارم که بعد از تمام شدن فیلم‌ها، ما مستندسازان در جلساتی به صحبت در مورد فیلم‌بنشینیم و سطح سواد سینمایی مان را بالا ببریم. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که خود من هم با آن درگیر هستم، کم بودن میزان ارتباط ما با سینمای جهان و سطح سواد سینمای مستند است. سطح آگاهی من از سینمای مستند هم خیلی به روز نیست و می‌توانیم با تماشای فیلم‌های مستند جهان این کمبود را جبران کنیم. فکر می‌کنم مهم‌ترین اتفاق همین باشد؛ این که جشنواره‌ی «سینما حقیقت» هم درست شبیه تمام فستیوال‌های جهانی، بخشی را به تولیدات داخلی اختصاص داده است و این رقابت می‌تواند منجر به پویایی شود. زمانی که می‌بینم یکی از دوستانم در همین حوزه یک فیلم خوب مستند ساخته است، من هم تلاش می‌کنم تا فیلم بهتری بسازم.

در عین این که فیلم‌های خوبی از سراسر دنیا به نمایش در می‌آید، باید فضایی فراهم شود تا فیلم‌سازان فرصت تبادل نظر با هم را داشته باشند. در تمام دنیا بعد از اکران فیلم‌ها، جلسات پرسش و پاسخ برپا می‌شود. اتفاقی که در سینمای ایران خیلی جدی گرفته نمی‌شود و در جشنواره‌ی فیلم فجر به نشست مطبوعاتی معروف شده است و در سینما حقیقت چنین جلساتی به صورت فشرده وجود دارد. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ به فیلم‌ساز فرصت می‌دهد تا شاهد بازخوردها دربارۀ فیلم باشد و از سوئی دیگر فرصت برقراری ارتباط مخاطب با فیلم‌ساز را هم می‌کند. اگر بین مخاطبان فیلم‌سازی هم باشد، می‌تواند سوالات تکنیکی یا مضمونی خود را از سازنده‌ی فیلم پرسد. این اتفاق می‌تواند کمک زیادی به فیلم‌ساز بکند. اتفاقی که متأسفانه در سینمای مستند رخ نمی‌دهد. نکته‌ی دیگری که می‌تواند به پویاشدن صنعت سینمای مستند کمک کند برگزاری کارگاه‌های آموزشی است. کارگاه‌هایی که می‌تواند برای فیلم‌سازان مفید واقع شود. عقیده دارم حالا باید یک پله بالاتر برویم؛ بهتر است قبل از برگزاری کارگاه، در دست‌مانند تمام دنیا، جزئیات کارگاه را اعلام کنیم. این که فقط بدانیم قرار است کارگاهی در مورد سینمای بدون فیلم‌نامه برگزار شود، برای من فیلم‌ساز کافی نیست. سینمای بدون فیلم‌نامه به چه معناست؟ باید بدانم که برای چه چیزی می‌خواهم به آن ورکشاپ بروم و این جزئیات است که تفاوت جامعه‌ی پیشرفته و جامعه‌ی در حال پیشرفت را روشن می‌کند. جامعه‌ی پیشرفته بیشتر با جزئیات کار دارد و جامعه‌ی رو به پیشرفت در مورد کلیات حرف می‌زند و به همین خاطر فکر می‌کنم بهتر است برنامه‌ریزی‌های جزئی‌تری در مورد برنامه‌های سال آینده داشته باشیم.



«بزمچه‌ها عاشق می‌شوند»

■ کارگردان: دلاور دوستانیان  
■ موضوع مستند: حیات وحش

**دلاور دوستانیان:** چند سالی است این گونه مستند در خارج از کشور با پرده‌آبی کار می‌شود. شاید در صحنه‌هایی از فیلم دست برده باشم اما در باورپذیری آن اشکالی ایجاد نمی‌کند. ساختن این نوع فیلم‌ها احتیاج به صبر دارد و باید بدانیم حیوانات به چه صدا و ضربه‌ای عکس‌العمل نشان می‌دهند و بعد داستان‌پردازی را شروع کردیم. به‌طور شخصی با نریشن مخالفم اما گفتند در بخش‌هایی به وجود آن احتیاج است اما در فیلم‌های بعدی ترجیح می‌دهم تصویر حرف اول را بزند.

**خسرو نقیبی:** استاندارد کاری که انجام شده واقعاً در حد نشنال جغرافی است که در مستندهای ایرانی نمونه آن را ندیده‌ام و به لحاظ بصری بسیار خوب بود. می‌خواهم بدانم کارگردان چقدر اجازه دخل و تصرف در این نوع فیلم‌ها را داشته است. مستندهای حیات وحش اصولاً سلیقه‌ای هستند و تماشاگر می‌تواند تصمیم بگیرد که آن را ببیند یا نه.

«میراث من آواز»

نسل منتقل می‌شود و این شروه خوانی‌ها در بوشهر بسیار بکر است و فصل بندی دارد و آن چه در بوشهر به عنوان تعزیه از گذشته دنبال می‌شد، کاملاً مجزاست.

**خسرو نقیبی:** شروه خوانی زنان در جنوب کشور در مراسم تعزیه موضوع ویژه و قابل توجهی است و در فرم، روایت و ساختار مسائل قابل توجهی دارد. نوع قاب‌بندی و موضوع به گونه‌ای است که انگار مخاطب خارجی را جدی تری می‌گیرد. فکر می‌کنم بیش تر امکان نزدیک شدن به این آدم‌ها وجود دارد و قصه بیش از هر زمانی حالت روایت گونه دارد. به عبارتی قصه خوب تعریف می‌شود اما انگار مخاطب آن من به عنوان یک ایرانی نیستم.

«پل»

■ کارگردان: امیر حسین نوروزی  
■ موضوع مستند: جنگ

**امیر حسین نوروزی:** در تهران برای رفتن به عراق بعد از حمله داعش داوطلب شدم و با جنگ غریبه نیستم اما هیچ وقت از این فاصله وارد میدان جنگ نشده بودم. به تدریج وارد زندگی سید باقر شدم و از خانه او به سمت عملیاتی رفتم و وارد غوغای جنگ شدم؛ این نوع جنگ خیلی بی‌قاعده و بی‌رحم است.

**خسرو نقیبی:** «پل» قصه فیلم‌سازی است که برای عملیات به عراق می‌رود و رفیقی دارد که با مترجمی کار می‌کند که به سراغ او می‌رود. اتفاق هیجان‌انگیز این فیلم حضور مخاطب در این فضا است؛ یعنی به عنوان مخاطب با فیلم همراه می‌شوید، با او می‌خندید و گریه می‌کنید و این مهم‌ترین دستاورد فیلم است. شکل این مستند و لحن فیلم به روایت فتح شهید آوینی نزدیک است. قاب‌ها و دید در شب‌ها در تصویر خیلی خوب است. این جنگ به شیوه‌ای است که دور بین کنار آدم‌هاست و خبرها با موبایل مخابره می‌شود.

■ کارگردان: فاطمه موسوی  
■ موضوع مستند: آیینی

**فاطمه موسوی:** وقتی کار را شروع می‌کردم به این فکر نمی‌کردم مخاطب آن چه کسی است. من بوشهری‌ام و در کنار این مراسم‌ها بزرگ شدم و دلیل انتخابم علائق شخصی‌ام است. می‌خواستم دربارۀ اتفاق جمعی از بین رفتن آیین‌ها در میان زنان بوشهری صحبت کنم. هر کدام از آیین‌های فیلم‌وزن‌ها یک مستند جداگانه محسوب می‌شوند. این شروه خوانی‌ها از زنان به صورت نسل به



## گفت‌وگو با «محمد مهدی طباطبایی نژاد»، دبیر نهمین جشنواره «سینما حقیقت» مستندسازان را پشیمان نکنید

محمد مهدی  
طباطبایی نژاد  
دبیر نهمین جشنواره‌ی  
«سینما حقیقت»

همه‌ی سال‌های اخیر در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، باعث شده‌اند تسلط ویژه‌ای به احوال سینمای مستند کشور پیدا کند. تسلطی که اولین پیامدش از دوره‌ی هفتم، تغییر جشنواره‌ی «سینما حقیقت» از شکل موضوعی به شکل جشنواره‌های مرسوم فیلم مستند دنیا بود. تغییری که بعد از گذشت دو سال به استانداردهای این جشنواره تبدیل شده است؛ استانداردی که طباطبایی نژاد و گروه برگزاری جشنواره در پی ارتقای آن هستند.

ویژه‌ی موضوعات روز دنیاست، فیلم‌هایی با موضوع بحران آب در سطح جهان خواهیم دید و در بخش مسابقه‌ی ملی هم در فیلم‌هایی با موضوع ویژه‌ی بحران آب در سطح کشور به نمایش درمی‌آیند. در بخش بین‌الملل تنوع بیش‌تری در بخش جنبی داریم. در بخش «آمریکا، واقعیت یا روایت» که نگاهی منتقدانه به جامعه‌ی آمریکایی است، هفت فیلم به نمایش درمی‌آید که پنج فیلم این بخش را مستندسازان آمریکایی ساخته‌اند. برای بخش «روزگار ما» فیلم‌های سیاسی-اجتماعی روز سینمای جهان را انتخاب کرده‌ایم. نمایش ویژه‌ی ۱۵ فیلم مطرح سینمای مستند دنیا-که بهترین‌های تولیدات جشنواره‌های سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ و بهترین‌های جشنواره‌های مستند دنیا بودند- یکی از بخش‌های جنبی مهم بخش بین‌الملل جشنواره‌ی امسال است.

یکی از تغییرات جشنواره‌ی نهم «سینما حقیقت» اضافه شدن جایزه موسیقی به این جشنواره است؟

نهمین دوره‌ی جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» در حالی برگزار می‌شود که محمد مهدی طباطبایی نژاد مثل دو دوره‌ی گذشته دبیر این جشنواره است. محمد مهدی طباطبایی نژاد که سابقه‌ی سال‌ها مدیریت فرهنگی در تلویزیون را دارد دو سال هادر سمت معاون فرهنگی و قائم مقام مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در این مرکز فعالیت کرده بود، از سال ۹۲ به عنوان مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در این مرکز مشغول به کار است. حضور طباطبایی نژاد در

بود که آمار جدی‌ای از مخاطبان جشنواره کسانی بودند که فعالان سینمای مستند نبودند. در این دوره سعی کردیم جایزه‌ی شهید آوینی را به یک جایزه‌ی بین‌المللی تبدیل کنیم. چهار فیلم با موضوع مقاومت از بخش بین‌الملل به این بخش آمده‌اند و به رقابت با هم می‌پردازند. امسال قدم اولیه را برداشتیم و فیلم‌ها را خودمان انتخاب کردیم ولی در سال آینده با آمادگی بهتر تلاش خواهیم کرد بخش بین‌الملل جایزه‌ی شهید آوینی را پررنگ‌تر کنیم و حوزه‌ی مقاومت و استکبارستیزی را که امروزه در سینمای مستند دنیا هم اهمیت پیدا کرده، در طول سال رصد کنیم و به جشنواره‌ی بعدی دعوت کنیم. در این دوره‌ی جشنواره، بخش‌های جنبی بسیار فعال هستند. بخش ویژه بحران آب به دلیل اهمیتی که موضوع بحران آب هم در حوزه‌ی بین‌الملل و هم در حوزه‌ی ملی دارد، به بخش‌های جنبی اضافه شده است. به همین دلیل در جدول برنامه‌ی «کیهان ما» در بخش بین‌الملل که

### محبوبه افتخاری

روزنامه نگار

این دوره از جشنواره «سینما حقیقت» چه تغییراتی

نسبت به دوره‌های قبلی جشنواره داشته است؟

ماننداریم هر سال جشنواره را به کلی دگرگون کنیم. همه‌ی جشنواره‌های معتبر دنیا تلاش می‌کنند به استانداردی برسند و بعد این استاندارد را ارتقا بدهند. ما امسال تلاش بر ارتقای استانداردی داشتیم که فکر می‌کنم در جشنواره‌ی سال گذشته به آن دست پیدا کردیم. کسانی که به صورت جدی سینمای مستند را در سطح دنیا رصد می‌کنند و می‌شناسند اذعان می‌کنند که جشنواره‌ی «سینما حقیقت» هم توانسته با مخاطب خودش ارتباط خوبی برقرار کند، هم از خارج از سینمای مستند مخاطب علاقه‌مند را به سینمای مستند دعوت و جذب کند. سال گذشته اتفاق خوب همین

مدیران جامعه  
و مسوولان  
سیاسی، فرهنگی  
و اجتماعی  
باید از اهالی  
حرفه‌ای سینمای  
مستند بخواهند  
فیلم‌هایی بسازند  
که نشان دهنده  
معضلات و مسائل  
جامعه باشد



### مستندسازان رکورددار در نهمین جشنواره «سینما حقیقت»

محمد مقدم، وحید فراهانی، میلاد خالقی منش و محسن اردستانی رستمی با ارائه ۵ فیلم مستند به دبیرخانه نهمین دوره جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت»، رکورددار کارگردانی فیلم مستند در این جشنواره شدند. امیر شکرگذار، مهدی چلاتی، علی شهبازی، حسین غلامی، سجاد زارع فیروزی، سعید البوعبادی، سیدمحمدحسین هاشمی، مریم‌السادات مومن‌زاده و ناهید یزدی هم با ارائه ۴ فیلم مستند، در جشنواره نهم «سینما حقیقت» شرکت کردند.

شماره ۲، دوشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival  
No.2, Mon, 14<sup>th</sup>, Dec 2015

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران



فیلمی بسازیم که فقط مدیر کارخانه ببیند. لازم نیست فرد دیگری آن فیلم را ببیند و اجزای کارخانه به هم بریزد. مشکلاتی در آن کارخانه وجود دارد که فقط و فقط باید مدیر کل خانه از آن آگاه شود تا بتواند برای رفع شان راه‌حلی پیدا کند. در جامعه هم ممکن است چنین اتفاقی بیفتد. ممکن است نیاز باشد فیلم‌هایی تولید کنیم که فقط جامعه‌ی پزشکیان، مهندسان، مدیران یا مسوولان سیاسی یا فرهنگی ببینند. با این رویکرد می‌شود فیلم‌هایی ساخت که فقط نمایندگان مجلس ببینند، نه هیچ مخاطب دیگری. اما جامعه‌ی ما آن چنان سیاست‌زده است که اگر فیلم‌سازی سراغ سوز‌های برود که به عنوان مثال فقط نمایندگان مجلس مخاطب آن هستند، همین که خبر ساخت چنین فیلمی درز پیدا کند، آن فیلم‌ساز مورد اتهام و انگ سیاه‌نمایی قرار می‌گیرد. در حالی که اگر به تفکیک و تعریف درست مخاطب سینمای مستند معتقد باشیم، یک مستند می‌تواند برای جامعه‌ی عام مفید نباشد اما وقتی مسوولان مرتبط با موضوع آن را ببینند، فیلم خاصیت شفا دهندگی پیدا کند. ما باید از بعد مخاطب، سینمای مستند را تخصصی‌تر ببینیم. متأسفانه تا امروز نتوانسته‌ایم حرکت جدی‌ای در راستای ساخت فیلم‌های مستند فقط برای مسوولان داشته باشیم. چون به عقیده‌ی من این فرآیند باید از سمت مسوولان جامعه آغاز شود. مدیران جامعه و مسوولان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید از اهالی حرفه‌ای سینمای مستند بخواهند فیلم‌هایی بسازند که نشان دهنده‌ی معضلات و مسائل جامعه باشد. مسوولان باید از مستندسازان بخواهند که مسائل جامعه را با چشم تیزبینشان ببینند و به نمایش بگذارند.

**بعد از برگزاری دو دوره جشنواره‌ی «سینما حقیقت» الان که در حال برگزاری سومین دوره با مدیریت خودتان هستید، فکر می‌کنید نقاط ضعف جشنواره «سینما حقیقت» چیست؟**

نقطه ضعف‌ها را با تجربه‌هایی که در هر دوره از جشنواره در حال کسب آن‌ها هستیم، رفع خواهیم کرد. به هر حال جشنواره‌های معتبر مستند دنیا بسیار با سابقه‌اند و ضعف‌هایی که در جشنواره‌ی فیلم‌های مستند ما وجود دارد، به سابقه‌ی کاری، آزمون و خطاهای برگزارکنندگان و سلاقی مختلف برگزارکنندگان جشنواره برمی‌گردد. اما همه‌ی فراز و فرودهایی که مدیریت‌های مختلف داشته‌اند، تلاش‌هایی رو به جلو بوده است. من ترجیح می‌دهم به جای تشریح نقطه‌ی ضعف‌ها - که البته به آن‌ها آگاه هستیم - از امیدها و آرزوهایم بگویم. خدا را شکر در این سال‌ها جشنواره‌ی «سینما حقیقت» جایگاه خودش را بین اهالی سینمای مستند پیدا کرده و اهالی سینمای مستند آن را معتبر می‌دانند. در سطح بین‌المللی هم توانسته‌ایم به درستی خودمان را معرفی کنیم و میهمان‌های خارجی هم عمدتاً خبرهای خوبی از جشنواره به کشور هایشان برده‌اند. با این جایگاه آرزوی من این است که در سال‌های نه‌چندان دور جشنواره‌ی «سینما حقیقت» هم مثل جشنواره‌ی فیلم فجر نه تنها در تعداد محدودی سالن سینما، بلکه در همه‌ی سالن‌های سینماهای پایتخت و حتی در شهرستان‌ها هم برگزار شود و میهمانی اهالی سینمای مستند باشکوه‌تر و البته موثرتر در ارتقای سطح کیفی این سینما برپا شود.

جشنواره به موازات همه‌ی کارکردهای آموزشی، انگیزشی و تبلیغی، یک میهمانی بزرگ خانوادگی هم برای همه‌ی اهالی و فعالان سینمای مستند است. برگزاری این میهمانی یکی از ضرورت‌های سینمای مستند است که فرصتی است برای دورهم جمع شدن و تعامل اهالی سینمای مستند با یکدیگر. **در این دوره از جشنواره تعداد فیلم‌هایی با موضوعات اجتماعی کمتر شده است. به عنوان مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی فکر می‌کنید چرا در سال‌های اخیر تعداد کمتری از فیلم‌سازان سراغ ساخت مستندهای اجتماعی رفته‌اند؟**

نزدیک به یک سوم فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره‌ی امسال فیلم‌هایی با موضوعات اجتماعی هستند اما می‌توانم سوال شما را این‌طور تفسیر کنم که تعداد فیلم‌های جسور و فیلم‌هایی که موضوعات نقد اجتماعی دارند در این دوره از جشنواره کم بوده است، که آمار تقریباً درستی است. یکی از معیارهای جامعه‌ی خلاق و پویا و غیرراکد وجود مستندهای نقادانه‌ی اجتماعی است. فیلم‌هایی که باید در فضای منصفانه ساخته و دیده شوند. اصلی‌ترین دلیل این موضوع که ساخت فیلم‌های نقادانه‌ی اجتماعی در سال‌های اخیر کم شده، این است که جامعه‌ی ما نسبت به حضور این فیلم‌ها سخت‌گیر شده. به عنوان مثال یک فیلم با موضوعی منتقدانه ساخته می‌شود و به مذاق کسی خوش نمی‌آید، در این شرایط آن قدر به کارگردان و تهیه‌کننده‌ی آن فیلم حمله می‌شود و چنان مته‌م به سیاه‌نمایی می‌شوند که از ساخت چنین فیلمی پشیمان شوند. در حالی که آن کارگردان فقط یک مسأله را مطرح کرده که به عنوان مثال چرا آمار طلاق بالاست؟ یا چرا مشکلات زیست‌محیطی وجود دارد؟ اما گروهی به این فیلم‌سازان انگ می‌زنند؛ انگ سیاه‌نمایی، دشمنی با نظام، غرب‌گرایی و... این انگ‌زدن‌ها جسارت من مدیر را کم می‌کند، جسارت من فیلم‌ساز و من حمایت‌کننده را کم می‌کند و محصولش این می‌شود که کمتر فیلم‌سازی سراغ ساخت فیلم‌های نقاد اجتماعی برود. ما بارها به دوستان گفته‌ام که ما به دنبال جشنواره‌های خنثی نیستیم و سیاست مادر این سه دوره‌ی جشنواره این بوده که اگر فیلمی با رعایت انصاف، ادب و اخلاق حتی با نگاه تیز، منتقدانه ساخته شود، در صورت کیفیت داشتن می‌تواند در جشنواره حضور پیدا کند. ظرفیت جامعه‌ی ما باید بالا برود تا فیلم‌های منتقدانه‌ی اجتماعی کیفیت و کمیت بیش‌تری پیدا کنند.

**گروهی از سینماگران و مستندسازان معتقدند فیلم مستند با بخش زیادی از تولیدات سینمای مستند را باید مسوولان ببینند و نه مخاطب عام. شما این زاویه دید را قبول دارید؟ برای این که مسوولان فیلم‌های مستند را ببینند، در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی اقدامی کرده‌اید؟**

یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد و شاید ما مقصر آن باشیم این است که مستندسازان جامعه‌ی مخاطبش را درست تعریف نمی‌کنند. مخاطب یک فیلم مستند ما ممکن است گاهی فقط یک نفر باشد. مثلاً در یک کارخانه‌ی تولیدی لازم است

**چرا این جایزه را به جایزه‌های جشنواره اضافه کردید و خودتان فکر می‌کنید موسیقی در ارتقای سطح کیفی یک فیلم مستند چه تأثیری دارد؟**

یکی از نکاتی که بعضی از مستندسازان در سال‌های اخیر به آن توجه جدی کرده‌اند، تولید موسیقی برای فیلم مستند بود. سال گذشته فیلم «آتلان» از جشن خانه‌ی سینما جایزه‌ی موسیقی گرفت. من فیلم را قبل از ساخت موسیقی و بعد از ساخت موسیقی دیدم و تفاوت و تأثیر زیادی را که موسیقی روی کیفیت فیلم داشت، کاملاً حس کردم. ما فکر کردیم از این دوره‌ی جشنواره، با اهدای یک جایزه به موسیقی می‌توانیم مستندسازان مان را تشویق کنیم که به جای استفاده از موسیقی انتخابی به ساخت موسیقی برای فیلم‌هایشان فکر کنند. برداشتن این قدم‌ها با این هدف صورت می‌گیرد که تولید فیلم مستند را از تولید یک برنامه‌ی تلویزیونی که موسیقی انتخابی دارد، جدا کنیم. فیلم مستند یک هویت هنری دارد و این هویت هنری باید در همه‌ی اجزای آن وجود داشته باشد. بین داوران این دوره‌ی جشنواره هم آقای آریا عظیمی نژاد حضور دارند تا موسیقی فیلم‌های مستند به صورت جدی داوری شود.

**شما که سال‌هاست تجربه‌ی مدیریت فرهنگی دارید و خودتان هم مستندسازی کرده‌اید، از جشنواره‌ی «سینما حقیقت» چه توقعی دارید؟**

سینمای مستند فارغ از وجه فیلمیک، باید واحد یک مفهوم آموزشی و مفهوم و محتوای اجتماعی بشارت‌دهنده یا اندازنده باشد. مفهومی که فراتر از فیلم است. به عقیده‌ی من سینمای مستند نزدیک‌ترین جزء هنر سینما به عامیت فرهنگ است. شما اگر بخواهید فرهنگ یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهید؛ بیش از تأثیرگذاری سینمای داستانی می‌توانید روی تأثیرگذاری مستقیم‌تر و دقیق‌تر سینمای مستند حساب کنید. ما وقتی درباره‌ی سینمای مستند حرف می‌زنیم، درباره‌ی فرهنگ حرف می‌زنیم. از آگاهی، دانش و نگاه منتقدانه اجتماعی برای اصلاح حرف می‌زنیم که فراتر از تفریح، سرگرمی و گذران اوقات فراغت است. میل به آگاهی باعث توسعه‌ی سینمای مستند می‌شود. جامعه‌ای که نیازمند آگاهی، توسعه و فهمیدن است، جامعه‌ای است که به سینمای مستند جدی‌تر توجه می‌کند. با این تعریف و توضیح، جشنواره‌ی مثل جشنواره‌ی «سینما حقیقت» می‌تواند هم در وجه آگاهی‌دهنده‌ی سینمای مستند مؤثر باشد، هم در ارتقای سطح کیفی و کمی مستندسازی در کشور.

یکی از اهداف ما این است که بتوانیم سینمای مستند را به عنوان شاخصه‌ی جدی در جهت توسعه‌ی آگاهی، دانش و فهم عمومی از زندگی و فرهنگ به میان مخاطبان فراگیر ببریم. در عین حال جشنواره ویتترین و محل رقابت و عمل انگیزشی جدی برای فعالان حوزه‌ی مستند است. همچنین فضای عرضه‌ی آثار برای خریداران و کسانی که مخاطب تخصصی سینمای مستند هستند. ما در این جشنواره هم بازار فروش فیلم داریم و هم کارگاه‌های فشرده‌ی پژوهشی که اطلاعات اهالی سینمای مستند با حضور در این کارگاه‌ها به‌روز شود. این



ما به دنبال جشنواره‌ای خنثی نیستیم و سیاست ما در این سه دوره‌ی جشنواره این بوده که اگر فیلمی با رعایت انصاف، ادب و اخلاق حتی با نگاه تیز، منتقدانه ساخته شود، در صورت کیفیت داشتن می‌تواند در جشنواره حضور پیدا کند



## a big family gathering

A festival like Cinéma Vérité Festival can be effective with regard to the informing aspect of the documentary cinemas as well as for improving the qualitative and quantitative levels of documentary production in the country. One of our objectives is to find a place for the documentary cinema among a wide range of spectators as a crucial index in order to develop awareness,

knowledge and general understanding toward life and culture. On the other hand, the festival is a platform for showcasing works and a place for competition and serious and encouraging acts of those active in the documentary section. It also provides an atmosphere for offering new works for buyers and the specialists in the field of documentary cinema. In this festival, we have a film market and some comprehensive research workshops that could update those active in

the field of documentary cinema with the latest developments in this section. Aside from being an educational, inspiring and promotional event, this festival is a big family gathering for all the people active in the documentary cinema section. Holding of this gathering is one of the necessities of the documentary cinema as well as an opportunity for getting those active in documentary section together for closer interaction.

نمی‌توانند در مسابقه شرکت کنند. اما بعد از انجام تحقیقات به این نتیجه رسیدیم که بهتر است بیش‌تر روی انواع بازی‌ها متمرکز شوم.

**تحقیقاتان را با استفاده از چه منابعی انجام دادید؟**

تحقیقات من دو سال طول کشید. در ابتدا با تحقیقات کتابخانه‌ای شروع کردم. یک سری از کتاب‌ها را به‌سختی پیدا کردم و برخی هم مقداری راحت‌تر در دسترس بود. من با نویسندگان این کتاب‌ها مصاحبه کردم. بعضی‌هایشان پزشک و دامپزشک بودند و حتی خودشان به نوعی پرنده‌باز بودند. در کنار این تحقیقات، میدانی زیادی هم انجام دادم و با تعداد زیادی از کبوتربازها و کارشناس‌هایی که در این زمینه کارشناس بودند، صحبت کردم.

**خود این کبوتربازهایی را که در این سه اپیزود می‌بینیم، چطور انتخاب کردید؟**

این‌ها را مانند انتخاب بازیگر برای یک فیلم داستانی انتخاب کردم. من پشت‌بام به پشت‌بام گشتم و این کبوتربازها را انتخاب کردم. شکل انتخاب هم به این صورت بود که من از این کبوتربازها فیلم گرفتم و بعد آن‌هایی را که جلوی دوربین راحت‌تر بودند و شخصیت کارزماتیک‌تری داشتند، انتخاب کردم. در واقع این‌ها کبوتربازهایی بودند که می‌شد داستان را با آن‌ها جلوی دوربین جلو برد.

**به غیر از راحت بودن جلوی دوربین، چه ویژگی‌های دیگری در انتخابتان دخیل بود؟**

این‌ها جزو بهترین‌ها هستند. از خیلی‌ها پرس‌وجو کردم و همه، این‌ها را به من معرفی کردند. مثلاً در مسابقات گروه‌بندی، این‌ها جزو بهترین‌های تهران هستند. بعضی‌هایشان هم خیلی علمی این کار را انجام می‌دهند. مثلاً در خوزستان، کبوترهایی را از آلمان وارد می‌کنند که به کبوترهای آلمانی معروف هستند. این کبوترها نژادشان اصلاح شده است و اصلاً برای مسابقه‌های مسافتی از آن‌ها استفاده می‌شود. در مصاحبه‌هایی که با کبوتربازها انجام دادم متوجه شدم که بعضی‌شان واقعاً سواد این کار را دارند. آن‌ها برای من به شکل خیلی عملی درباره‌ی نژاد و نوع کبوتر توضیح می‌دادند. در کنار این‌ها سابقه‌ی افراد هم برایم مهم بود.

بعضی از این کبوتربازها بیست‌وپنج تا سی سال در این کار بودند و از پدر و پدربزرگشان این کار را به ارث برده بودند.

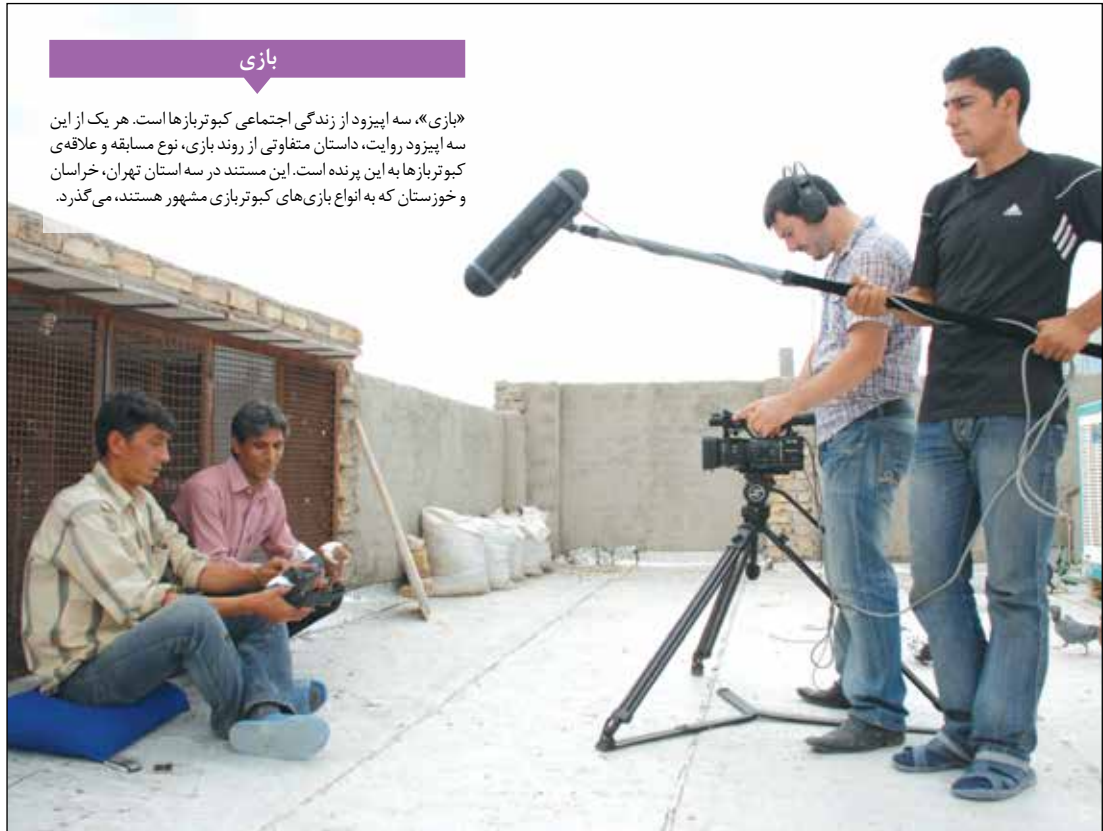
**شما گفتید که آشنایی مختصری با این آدم‌ها داشتید، اما نگاهتان به کبوتربازها قبل و بعد از ساخت این مستند خیلی تغییر کرد...**

نمی‌توانم بگویم نگاهم به این آدم‌ها خیلی تغییر کرده است. اما می‌توانم بگویم که حالا این آدم‌ها را بیش‌تر درک می‌کنم. پیش از این، می‌دیدم که کبوتربازها زندگی‌شان را سر این کار می‌دهند و این شیوه‌ی زیستی چیزی از اعتیاد کم ندارد و آن کسی که وارد این کار می‌شود دیگر نمی‌تواند به راحتی رهاش کند. حتی من با خانواده و اطرافیان بعضی از این کبوتربازها صحبت کردم و خیلی‌هایشان از این کار شکایت داشتند و مثلاً می‌گفتند که همسرمان ما را فراموش کرده و همه‌ی زندگی‌اش را روی پشت‌بام به سر می‌برد. من با کارخانه‌داری مواجه شدم که جلوی دوربین برای کبوترهایش اشک می‌ریخت.

قبل از این، احساس‌ها را درک نمی‌کردم اما وقتی وارد جمع آن‌ها شدم، که تعدادشان هم کم نیست، حالا تا حدودی درک‌شان می‌کنم و نظرم نسبت به آن‌ها عوض شده است.

بازی

«بازی»، سه اپیزود از زندگی اجتماعی کبوتربازها است. هر یک از این سه اپیزود روایت، داستان متفاوتی از روند بازی، نوع مسابقه و علاقه‌ی کبوتربازها به این پرنده است. این مستند در سه استان تهران، خراسان و خوزستان که به انواع بازی‌های کبوتربازی مشهور هستند، می‌گذرد.



## «بازی» سه اپیزود از زندگی و بازی کبوتربازها را در سه استان مختلف ایران نمایش می‌دهد

# زندگی در پشت‌بام

برگزاری بزرگ‌ترین مسابقه‌ی کبوتربازی در تهران را هم پیدا کرده و از آن‌ها فیلم گرفته است. خودش می‌گوید از راش‌هایی که گرفته و از تحقیقاتی که انجام داده است، می‌تواند سریالی ده‌قسمتی درباره‌ی کبوتربازها بسازد. اما به قول خودش، این‌قدر کار را تراشیده تا در طول نود دقیقه‌ی مستند «بازی»، تماشاچی همه چیز درباره‌ی کبوتربازی ببیند.

**این خرده‌فرهنگی که می‌گویید، آشنایی قبلی داشتید؟**

بدون پیش‌زمینه نبودم. در گذشته در بین همسایه‌ها و آشنایان مان دیده بودم. همیشه هم برایم جالب بود که این‌ها چرا این‌قدر دیوانه‌وار به این کار علاقه‌مند هستند. بعد از ساخت چند مستند، فکر کردم که این موضوع جای کار زیادی دارد. در ابتدا هم نمی‌خواستم مستند فقط درباره‌ی انواع بازی‌های مرتبط با کبوتربازی باشد. موضوع‌های مختلف دیگری در فکرم بود. مانند نژاد کبوترها و معضلاتی که این کار برای خود کبوتربازها دارد؛ معضلاتی مانند این‌که کبوتربازها تشکل خاصی ندارند و همین برای‌شان مشکلاتی به وجود می‌آورد. من در زمان انجام تحقیقاتم در ابتدا متوجه شدم که در اروپا کبوتربازها صنف مخصوص به خودشان را دارند. حتی لیگ کبوتربازی دارند و انگلستان به صورت خیلی حرفه‌ای این لیگ‌ها را برگزار می‌کند. درست مانند مسابقه‌های فوتبال، قبل از شروع لیگ، کبوترها را باید ثبت‌نام کنند و اگر این مراحل اتفاق نیفتد، کبوتربازها

امین رحیمی برای ساخت مستند «بازی»، دو سال تحقیق کرده است. او حتی داستان‌های عامه‌پسند در این باره را خوانده و فیلم‌هایی را هم که با موضوع کبوتر و کبوتربازی ساخته شده، دیده است. به همه شهرهایی که به کبوتربازی معروف است، سفر کرده و حتی افراد خاصی را هم پیدا کرده است که در نهایت راضی نشده‌اند جلوی دوربین مستند او بیایند. او حتی محل

ایثار قنواتی

روزنامه‌نگار

**چه طور شد که این موضوع کبوتربازی را برای ساخت مستندتان انتخاب کردید؟**

این مستند، درباره‌ی آدم‌هایی است که به کبوتربازی مشغول هستند. چیزی که برای من به عنوان مستندساز جالب بود، خرده‌فرهنگی است که بین کبوتربازها در جامعه شکل گرفته است. شاید از دید فردی عادی و از بیرون، فرهنگ خاصی به حساب نیاید، اما وقتی وارد جمع این افراد شدم، عده‌ی زیادی از سطح‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، از آدم‌های مشهور و ورزشکارها گرفته تا آدم‌های تحصیل کرده و دکتر و مهندس و حتی سرمایه‌دارها و کارخانه‌دارها، در بین کبوتربازها دیدم. این آدم‌ها بسیار عاشق این کار بودند. من هم با دیدن تنوع سطح اجتماعی آدم‌هایی که به این کار مشغول بودند، ترغیب شدم مستندی درباره‌ی کبوتربازها بسازم.

**شما در اطرافتان کسی را دیده بودید و با**



امین رحیمی

متولد ۱۳۶۰، اهل اسفراین و فارغ‌التحصیل کارشناسی سینما است. او مستندهای «موسی پهلوان»، «سالوک»، «جاق روشن»، «سال نو»، «دعوت»، «نان بودن» و چند مستند و فیلم کوتاه داستانی دیگر در کارنامه‌ی کاری خودش دارد. رحیمی در دوره‌ی چهارم جشنواره حقیقت هم نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم شده بود.



Z O O M

زوم



گفت و گو با «رامبد جوان» درباره مستندهای محیط‌زیستی و بحران آب

# لطفا وحشت کنید!



جامعه گسترده باشد. جوان در بخش دیگری از صحبت‌هایش به موفقیت فیلم‌سازی که با بودجه‌ی کم فیلم می‌سازند، اشاره می‌کند و از مستندهای محیط‌زیستی مورد علاقه‌اش می‌گوید. با این کارگردان -بازیگر همراه شدیم تا از شگردهای تاثیر ساخت مستند درباره‌ی بحران آب و سینمای مستند بگوید.

سال‌هاست که «رامبد جوان» را به عنوان هنرمندی دغدغه‌مند نسبت به جامعه و محیط‌زیست می‌شناسیم. او بارها در برنامه‌ی «خندوانه» به مشکل بحران آب و تشکیل کمپین «قطره قطره» اشاره کرده. امسال بخشی در جشنواره برای مستندسازی درباره‌ی «بحران آب» در نظر گرفته شده و رامبد جوان هم معتقد است که باید به شیوه‌ای درباره‌ی بحران آب مستند بسازیم که همه آن را بشنوند و فراگیری آن در سطح

**شما فکر می‌کنید جای چه نوع مستندهایی در سینمای مستند ایران خالی است؟**

این که چه نوع مستندی ساخته شود، بستگی به نوع نگاه آدم‌ها دارد و فکر می‌کنم مستندهای علمی و زیست‌محیطی کم‌تر می‌بینیم. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که زمین در حال نابودی است. تصورم این است که باید به همه چیز جزئی‌تر و از بالاتر نگاه کنیم. چون با این نوع دیدگاه می‌توانیم حتی با یک نگاه جزئی به یک شیء، برداشتهای بزرگ‌تری از جهان و کائنات

اختصاص داده می‌شود که شناخت کم‌تری نسبت به حوزه‌ای که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، از طرفی سرمایه‌گذاران به دلیل داشتن سرمایه، تصور می‌کنند اجازه‌ی دخالت، نظر دهی و گنجاندن سلیقه‌ی خود در فیلم را دارند و این کار به کیفیت فیلم و سینما آسیب می‌زند. در این میان شاید فیلم‌ساز هم اعتماد به نفس کم‌تری برای پیشروی پیدا کند که یا به دلیل وجود سرمایه‌گذار است یا چون می‌داند که برای فیلم هزینه می‌شود، می‌خواهد تلاشی بیش از حد برای بازگشت سرمایه انجام بدهد. بنابراین پروژه‌هایی که بودجه‌های شخصی و کوچک به آن اختصاص داده می‌شود، اصولاً موفق‌تر هستند.

## نسرین بختیاری

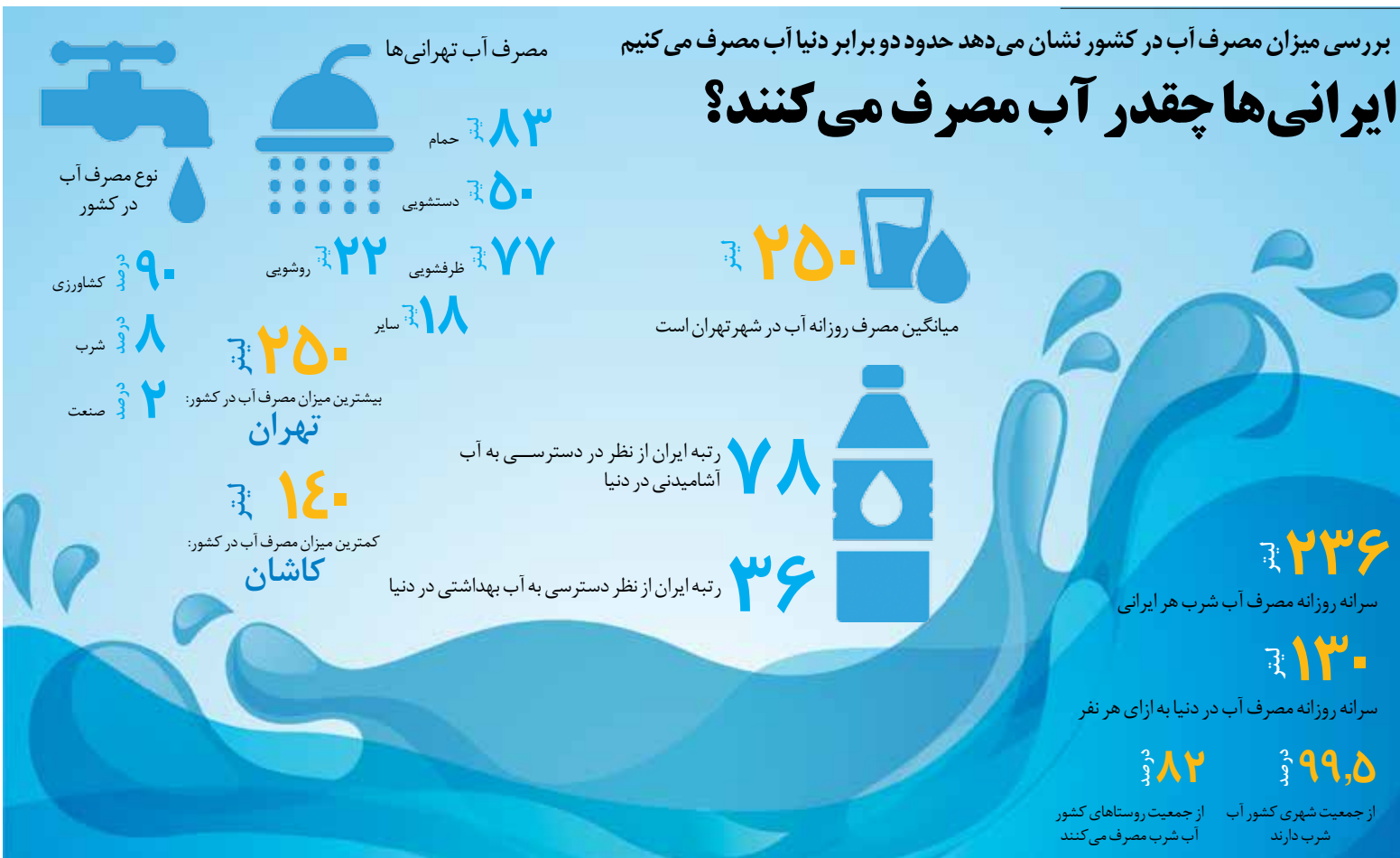
روزنامه‌نگار

**از آنچه به عنوان جریان سینمای مستند در ایران شناخته می‌شود، چه برداشتی دارید؟**

تصورم این است که سینمای مستند پویاتر و موفق‌تر از سینمای داستانی ما است. شاید چیزی که درباره‌ی آن صحبت می‌کنم، قطعی نباشد اما سینمای تجربی، فیلم‌سازان کوتاه و مستندسازان ما که بودجه‌های جدی برای کارهایشان اختصاص داده نمی‌شود و یاد گرفته‌اند با بودجه‌ی کم فیلم بسازند، موفق‌تر هستند. معمولاً پول و بودجه‌های بزرگ‌تر، از جانب کسانی به این نوع فیلم‌ها

بررسی میزان مصرف آب در کشور نشان می دهد حدود دو برابر دنیا آب مصرف می کنیم

## ایرانی ها چقدر آب مصرف می کنند؟



که می دانید امکان عرضه‌ی مستند در طیف وسیع و به صورت گسترده وجود ندارد و اگر قرار باشد مخاطبان مستند بحران آب محدود باشند، تأثیر چندانی ندارد. باید مستندی بسازیم که همه آن را ببینند و از تماشای بحران آب وحشت کنند.

### مهم ترین ضعف و قوت سینمای مستند را در چه می بینید؟

به نظرم نقطه‌ی قوت سینمای مستند در این است که فیلم‌سازان تلاش می کنند مستقل کار کنند و به همین دلیل خلایقیت و جسارت بیش تری دارند و شاید تولیدات ما در سینمای مستند چشم‌گیرتر از تولیدات سینمای داستانی باشد.

### چند سال است که جشنواره‌ی «سینما حقیقت» به طور متوالی برگزار می شود. به نظر شما این جشنواره تا چه حد می تواند جریان ساز باشد؟

وجود همه‌ی جشنواره‌ها خوب و لازم است اما این تنها در صورتی موثر است که شیوه‌ی برگزاری آن متمرکز باشد. برگزار کنندگان «سینما حقیقت» این جشنواره را جدی می گیرند. تماشاگران نیز با جدیت جشنواره را دنبال می کنند. به نظرم این جشنواره در حال تبدیل شدن به یک برند است.

### و به عنوان آخرین سوال، آخرین مستندی که دیدید چه بود؟

من مستندی به نام «Bag It» دیدم که بسیار تکان دهنده و با ساختاری درست بود. این مستند درباره‌ی این بود که تولیدات و محصولات پلاستیکی چه بلایی بر سر زمین و آدم‌ها می آورد. این مستند برداشتی در ذهن مخاطب به وجود می آورد که بر اثر دیدن آن به وحشت می افتد. با تماشای این مستند، می فهمید میزان تولید زباله و آلودگی صوتی ما آن قدر زیاد و حیرت‌انگیز است که باورمان نمی شود.

چندان حوصله و عادت به پژوهش نداریم. مستندسازان بدون پژوهش عملا کاری نمی توانند انجام دهند و تخیل تنها بخشی از کار مستند را تشکیل می دهد. بنابراین مستندسازان باید بدانند به دنبال چه موضوعی، با چه ابعادی می روند.

### با توجه به این که تهیه کنندگی مستند در ایران با خطر پذیری بازگشت سرمایه همراه است، چه عاملی باعث شد تهیه کنندگی «بختک» را به عهده بگیرد؟

تهیه کنندگی فیلم «بختک» به شناختم از محمد کارت برمی گردد. قصدی برای این که یک تهیه کننده‌ی مداوم در سینمای مستند باشم، نداشتم. فیلم قبلی محمد کارت، «خون مردگی» را دیده بودم که خیلی خوب بود و علاوه بر این، در فیلم «آزادی مشروط» حسین مهکام هم هم‌بازی بودیم. در آن جازمینه‌ای برای معاشرت و آشنایی پیش تر با محمد کارت و ایده‌ی مستندش به وجود آمد. وقتی با ایده‌ی او آشنا شدم، با کمال میل کمک کردم که «بختک» ساخته شود و به یقین قصد تجارت نداشتم؛ چون بعد از آن هم هیچ اقدامی برای این که فیلم را به جایی خاص بفروشیم، انجام ندادیم. تهیه کنندگی این مستند برای کاری که کارگردان با تجربه‌ای دارد و در عین حال هزینه‌ها را کنترل می کرد، سخت نبود. برایم مهم بود که این فیلم ساخته شود و شاید تنها یک کمک دوستانه و فرهنگی بود.

### در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» امسال بخشی برای مستندهای «بحران آب» وجود دارد. با توجه به این که شما در خصوص بحران آب فعالیت‌هایی داشته‌اید، نظر تان درباره‌ی فیلم‌سازی مستند درباره‌ی بحران آب چیست؟

اصولا بحران آب به ما آدم‌ها و شهروندان از مصرف خانگی تا کشاورزی، کارخانه‌ها و ... برمی گردد. همان‌طور

داشته باشیم. بشر امروز احتیاج به مستندهایی بازمینه‌ی علمی و ساختار هوشمندانه و جذاب برای عموم مردم دارد. این مهم است که مستند برای همه‌ی مردم تولید شود و لازم است که ابعاد مستندسازی آن قدر گسترده شود که مردم مخاطب آن شوند. به نظرم دوران سخت و عجیبی را در جهان می گذرانیم و مستندسازان می توانند برای ما روایت کنند که ما آدم‌ها با جهان خود و موجودات چه می کنیم. فکر می کنم بیش از همه، جسارت و جرات برای تجربه کردن چیزی که ممکن است هیچ کس روی خوش به آن نشان ندهد، کم شده است. همیشه باید جسارت وجود داشته باشد تا راه جدید باز شود. باید از مدگرایی در ساخت فیلم فاصله بگیریم؛ به این معنی که در مقطعی در سینمای داستان گو، قصه‌گویی رئالیستی به سبک اصغر فرهادی مد می شود و در مقطعی هم نیمی از مستندها در فضای اجتماعی طبقه‌ی فقر و ... ساخته می شود و اگر این مدبودن از ذهن بیرون برود، شرایط بهتر می شود.

### همه از سختی‌های ساخت برنامه موفق مثل «خندوانه» و این که برنامه را بر اساس پژوهش و نیازسنجی پیش می بردید، تا حدودی آگاه هستید. با توجه به تجربه‌های مشابه زیادی که داشته‌اید، نقش پژوهش را در سینمای مستند چطور ارزیابی می کنید؟

پژوهش چه از نظر میدانی و چه از نظر تجربه‌ی سازنده، بخش جدایی‌ناپذیر فیلم مستند است. در مستند «بختک» - که من تهیه کننده‌اش بودم - محمد کارت به عنوان کارگردان، تجربه‌ی حضور میدانی در فضای فیلم را داشت و این کار به نوعی پژوهش محسوب می شود. به نظرم هر کاری از جمله تولید یک محصول خوراکی تا تولید یک خودرو احتیاج به پژوهش دارد. متأسفانه فکر می کنم پژوهش در ایران به عنوان بخشی جدی که روی آن سرمایه‌گذاری کنند، تلقی نمی شود و ما نیز

### میزان مصرف آب ایرانی‌ها

این آمار نگران کننده‌ی مصرف آب باعث شده امسال بخش «بحران آب» با ۷ فیلم ایرانی در جشنواره حضور داشته باشد.

امکان عرضه مستند در طیف وسیع و به صورت گسترده وجود ندارد و اگر قرار باشد مخاطبان مستند بحران آب محدود باشند، تأثیر چندانی ندارد. باید مستندی بسازیم که همه آن را ببینند و از تماشای بحران آب وحشت کنند



## روایت کارگردان مستند «ناخدا سلیمان» از ناخداهایی که با خشک شدن دریاچه ارومیه کارشان را از دست داده‌اند ناخدا، کشاورز شد!



ناخدا سلیمان

سلیمان ناخدای کشتی به نمک نشستهای در دریاچه ارومیه است که پس از خشک شدن تدریجی دریاچه، کار خود را از دست داده است. تنها کار او برای امرار معاش خودش و خانواده‌اش، ناخدایی روی همان کشتی بود. اما حالا پس از بیکار شدنش به کشاورزی مشغول شده. کاری که تحت تاثیر بحران دریاچه‌ی ارومیه از آینده‌ای برخوردار نیست.

در منطقه مشغول به کارند. اما ویژگی خاص ناخدا سلیمان، ارتباط حسی و عاطفی این شخص با دریا و کشتی به نمک نشسته‌اش بود. کشتی‌اش به خاطر خشک شدن دریا به نمک نشسته بود و دیگر کاری از این ناخدا ساخته نبود. اما نگاهش به محیط پیرامونش جذاب بود. این نگاه در قالب فیلم مستند، دراماتیک به نظر می‌رسید. او کار کردن و زندگی در بندر و دریا را دوست داشت و امیدوار بود که روزی دریاچه پر آب شود و بومیان و سایر ملوانان به کار خود بازگردند. من در این فیلم، نه فقط با او صحبت کرده‌ام که بعضی مواقع او را به لوکیشن‌هایی که می‌خواستیم می‌برد. مثلاً الان دیگر کسی به بدنش لجن دریا را نمی‌مالد، در حالی که قبلاً دریا و ساحل آب داشت، و افراد زیادی از نقاط مختلف کشور و استان و از جمله ایشان می‌رفت و به خاطر درمانی بودن لجن دریاچه، لجن به بدنش می‌مالید. اما الان این کار را نمی‌کنند. چون نه آب است، نه فرهنگ لجن درمانی. اما من از او خواستم این کار را بکنم تا در روایت فیلم، گریزی به فواید لجن دریاچه‌ی ارومیه هم داشته باشم. در نهایت از میان صحبت‌ها و واقعیت‌هایی که در زندگی روزانه‌ی او اتفاق می‌افتاد، آن‌هایی را که مد نظر من بود و قصه را پیش می‌برد و در ضمن به جذابیت فیلم کمک می‌کرد، انتخاب کردم.

### خلاصه و مفید

طرح و فیلم‌نامه، سی دقیقه تصویب شده بود، و من هم زندگی شخصیت فیلم را می‌دانستم، به خاطر همین در همین حدود زمانی ساختمش. می‌توانستم با داستانک‌های واقعی و موضوعاتی که متوجه ناخدا بودم، فیلم را تا ۵۰ دقیقه و بیش‌تر هم ادامه بدهم اما اعتقادم این است که آدم زیاده‌گویی نکند. این شد که با ۲۵ دقیقه فیلم را بستم که هم ساختار دراماتیک را حفظ کنم، هم خلاصه‌گویی کنم که مخاطب خسته نشود، هم قصه‌ی ناخدا را بگویم، هم بحران دریاچه‌ی ارومیه را، کاری که حق مطلب ادا بشود.

من قبلاً برای برنامه‌ای در تلویزیون که در ارتباط با دریاچه‌ی ارومیه بود، ناظر کیفی یک مجموعه‌ی مستند بودم. بعد از پایان آن مجموعه هم فیلمی کوتاه درباره‌ی دریاچه برای صدا و سیما کار کردم. با انجام این دو کار و دغدغه‌ای که نسبت به خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه داشتم، و همین‌طور مطالعه و پیگیری اخبار و مطالب، درباره‌ی این دریاچه شناخت کافی پیدا کردم. طی رفت و آمدهایی هم که برای آن پروژه‌ها داشتم، با این سوژه آشنا شدم و ارتباطی با ناخداها پیدا کردم و طی مذاکراتی که کردم، قرار شد یک کار مستند با محوریت آن‌ها تهیه کنم. البته ناخداها، ملوان‌ها و افراد زیادی در این منطقه هستند که کارشان را با خشک شدن دریاچه از دست داده‌اند اما من ناخدایی را انتخاب کردم که بعد از این که کارش در دریاچه را از دست داده، کشاورزی را برای گذران زندگی انتخاب کرده بود. این انتخاب موضوع، به لحاظ حفظ ساختار دراماتیک قصه‌ی فیلم کمک می‌کرد. اگر سراغ ناخدا‌های دیگر می‌رفتم، این قدر قصه و موضوع جذاب نمی‌شد. دریا خشک شده و ناخدا کارش را از دست داده، او از ملوانی و دریانوردی به کشاورزی روی آورده، آن هم در حالی که آب نیست و بحران کم‌آبی گریبان‌گیر تمام کشاورزان منطقه شده است و کشاورزی‌اش هم همیشه تحت تاثیر بادهای ریزگردهای نمک است و... این قصه جذاب بود.

### انتخاب شخصیت، دراماتیزه کردن موضوع

طرح که تصویب شد یک سال طول کشید تا کار شروع شود. چون زمانی که تصویب شد فصل بارندگی بود و حاشیه‌ی دریاچه‌ی ارومیه به دلیل بارندگی باتلاقی می‌شد. در نتیجه قرار داد را تمدید کردیم. به دلیل این که پیش‌زمینه‌ای از دریاچه‌ی ارومیه داشتم و برای کارهای دیگر تحقیق کرده بودم، به جز بیات موضوع مسلط بودم. اما برای این کار، چند جلسه با شخصیت فیلم صحبت کردم. او کشاورزی می‌کرد. کار عجیبی نبود و کشاورزهای زیادی هستند که



سعادتعلی سعیدپور

متولد ۱۳۴۸ در تبریز است. پیش از این مستندهای «نور مقدس» و «سکه به روایت تاریخ» را ساخته است.

## On Water Crisis

Basically the water crisis is related to people like us and the citizens in general and it covers a wide range of sectors among them agriculture and industry. As you know, it is almost impossible to distribute documentary films in a widespread atmosphere and in a public manner.

On the other hand, a documentary film on water crisis with a limited range of spectators won't prove effective. We should make a documentary that be seen by all the people to make them fully aware and somehow horrified about the crisis.

I recently watched a documentary named Bag It that used an appropriate structure to be a moving warning in the end. The film was about the disastrous effects of the plastic products on the earth planet and its habitants. This documentary creates an understanding inside the mind of the spectator that is terribly shocking. The amount of our garbage production and noise pollution is so high and surprising that is beyond belief for us.





مادر کشی

«مادر کشی» مستندی است با درون مایه نگاه آسیب‌شناسانه به وضع حکمرانی آب در ایران. این مستند با رویکردی پژوهشی می‌کوشد، ضمن به تصویر کشیدن مظاهر و نتایج بحران آب، علل مختلف به وجود آمدن این بحران را در ایران بررسی کند.

بحران آب

اوسیا

«قنات زارچ یا کانال فاضلاب؟»، این خط اصلی مستندی است که علیرضا دهقان برای تحقیق و تولید آن دو سال زمان گذاشته تا سیر نابودی یکی از عجایب یزد را به تصویر بکشد. قنات زارچ در استان یزد با قدمتی نزدیک به سه هزار سال و با مسافتی طولانی، روزگاری آب شرب و کشاورزی بیش از ۸۰۰ خانوار را فراهم می‌کرده، اما در سال‌های اخیر مشغول دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی نظیر ریخته شدن فاضلاب و هجوم بی‌امان خشک‌سالی است. ریخته شدن فاضلاب شهری و به خصوص بیمارستان‌ها در جریان ساخت و سازهایی که در طول مسیر به این قنات می‌ریزد، مهم‌ترین انگیزه‌ی دهقان برای ساخت «اوسیا» بوده است.



# مستند «مادر کشی»؛ قصه پر غصه بحران آب در ایران تصویر حقیقت ترسناک خشکیدگی

«مادر کشی» دومین مستند بلندی است که کمیل سوهانی درباره‌ی یک بحران ساخته است. سال گذشته سوهانی با مستند «جای خالی» شناخته شد. مستندی که سراغ موضوع کم‌تر پرداخته شده‌ی «فرهنگ عمومی» رفته بود. پرداخت سوهانی به موضوع حفر قنات در ایران در بخشی از مستند «جای خالی» بهانه ساخت دومین مستندش شد. «مادر کشی» که یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی چند سال اخیر ایران را بررسی می‌کند؛ در بخش ویژه «بحران آب» این دوره از جشنواره برای اولین بار به نمایش درمی‌آید. مستندی که سوهانی برای ساختش پژوهش گسترده‌ای کرده است تا اطلاعات غیر دقیق مخاطبانانش را درباره‌ی پدیده «خشکسالی» در ایران اصلاح کند. اطلاعاتی که او را با زاویه‌های تازه‌ای از موضوع بحران آب در کشور روبه‌رو کرد.

شخصاً قبل شروع پژوهش‌هایم فکر می‌کردم کشورمان به دلیل شرایط اقلیمی دچار بحران آب شده است اما هر چه در پژوهش‌ها جلوتر رفتم متوجه شده متأسفانه نقش نیروی انسانی در این پدیده بسیار پررنگ است. متأسفانه مهندسی آب در این بحران نقش پررنگ‌تری از شرایط اقلیمی دارند و این حرفی است که سعی کردیم در «مادر کشی» بیان کنیم.

مستندی با جغرافیای همه ایران برای همه مردم ایران برای این مستند با ۲۰ نفر از کارشناسان و فعالان مسائل محیط‌زیست، مدیریت منابع آب، مهندسی منابع آب و ... حرف زدیم. گرچه حرف‌ها تخصصی هستند اما سعی کردیم در ۱۲-۱۰ استان کشور مظاهر مختلف خشکسالی را نشان دهیم. از کشاورزی گرفته تا آسیب‌های محیط‌زیستی که بر اثر خشکسالی به وجود آمده است. همه سعی‌مان این بود که کسانی که درکی از موضوع بحران آب در کشور ندارند بآیدند این مستند از زوایای مختلف متوجه این بحران بشوند. یعنی فقط به بحث کارشناسی یا نشان دادن مظاهر خشکسالی اکتفا نکردیم. هدف من این بود که «مادر کشی» رویکرد مخاطب‌پسند را نسبت به موضوع بحران آب تغییر دهد.

از امروز تا گذشته‌ی دور  
فرم روایت «مادر کشی» فرم گزارشی است که فقط در مظاهر خشکسالی امروز باقی نمی‌ماند و به تاریخچه‌ی این بحران در کشور هم می‌پردازد. خوشبختانه برای این مستند موفق شدیم پژوهش تصویری خیلی خوبی داشته باشیم. در کنار تصویرهایی که مساله امروز آب در کشور را نشان می‌دهد، تصویرهایی از وضعیت آب در گذشته ایران داریم و به موازات این تصاویر با افرادی حرف زده‌ایم که در اقبال مختلف و شرایط مختلف با موضوع بحران آب ارتباط پیدا می‌کنند.

پیشنهادی که برآیم دغدغه شد

پیشنهاد ساخت مستندی درباره‌ی موضوع بحران آب از طرف آقای شکیبانی به عنوان تهیه‌کننده به من داده شد. ایشان مستند قبلی‌ام را دیده بودند و بخش مربوط به قنات در آن مستند مورد توجه‌شان قرار گرفته بود. من هم این پیشنهاد را پذیرفتم چون معتقدم بحران آب، بحران موجودیت ایرانیان است. مستند قبلی‌ام درباره‌ی فرهنگ مردم ایران بود و فکر کردم مستندی درباره بحران آب یعنی مستندی درباره حیات مردم ایران. در همان پژوهش‌های اولیه به این نتیجه رسیدم که موضوع بحران آب در کشور ما آن قدر با اهمیت است که اگر درباره‌ی آن فکری نشود ممکن است موجودیت چندین هزار ساله‌ی مردم ما را از بین ببرد. به همین دلیل پژوهش‌ها را جدی‌تر و گسترده‌تر کردیم تا بتوانیم به دلایل دقیق‌تری در ایجاد این بحران برسیم.

پژوهش‌هایی که حقیقت را افشا کردند

وقتی پژوهش اولیه درباره‌ی موضوع بحران را شروع کردم با منابع پژوهشی زیادی روبه‌رو شدم. رسانه‌های مختلف در سال‌های اخیر درباره این موضوع کار کرده بودند و وقتی آرشیو روزنامه‌ها را ورق می‌زدم تیتراهای مختلفی را می‌دیدم که هر یک زاویه‌ای از موضوع بحران آب را نشان می‌داد. اما وقتی پژوهش‌ها عمیق‌تر شدند و با کارشناسان این حوزه صحبت‌های بیش‌تری کردم، متوجه شدم موضوع بحران آب میان دو پدیده‌ی «خشکسالی» و «خشکی» در حال حرکت است. در واقع خشکسالی‌ها در حالت عادی به پدیده‌ی خشکی یک سرزمین منجر نمی‌شوند اما اگر در دوره خشکسالی تمهید خاصی نداشته باشیم این خشکسالی به خشکیدگی سرزمینمان منتهی خواهد شد. در پروسه‌ی پژوهش با صحبت‌هایی که با کارشناسان زیادی داشتم، متوجه شدم متأسفانه ما با این بحران روبه‌رو هستیم. من



کمیل سوهانی

کمیل سوهانی متولد ۱۳۶۰ تهران است. او که کارشناس ارشد مدیریت رسانه از دانشگاه صدا و سیماست پیش از مستند «مادر کشی» مستند بلند «جای خالی» را ساخته است.

## چند هزار سال و چهل دقیقه

چشمه‌ی طاق‌بستان کرمانشاه یکی از نقاط دیدنی و جاذبه‌های تاریخی معروف است و چند هزار سال این چشمه وجود داشته است، اما اخیراً خبری در سراسر دنیا منتشر شد که درباره‌ی خشک شدن این چشمه طی ۴۰ دقیقه بود! سعید رسولی در یک مستند گزارشی به این موضوع پرداخته است؛ «کار ما با یک هفته تحقیق فراوان آغاز شد و درباره‌ی چشمه طاق‌بستان و معضل آب در کرمانشاه تحقیق کردیم. شب وقوع این اتفاق، نگهبان شیفت شب ناگهان با این مساله مواجه می‌شود که آب چشمه طی ۴۰ دقیقه به زمین برمی‌گردد و چشمه خشک می‌شود. در این مستند با یک گروه فعال محیط‌زیست کرمانشاهی همراه می‌شویم و در کنار آن‌ها علل این اتفاق را پیگیری می‌کنیم.»



## کوهستان سکوت

این مستند روایتی از تغییرات زندگی مردم منطقه‌ی «گیسکان» از زیستن بدوی تا امروز است. آن‌ها دور از جامعه زندگی می‌کردند و همه‌ی کارها را به شیوه‌ی ۲۰۰ سال پیش انجام می‌دادند. داریوش غریب‌زاده می‌گوید این مستند را در طول چهار سال گذشته در منطقه‌ی کوهستانی و دورافتاده در بوشهر با نام «گیسکان» تولید کرده است: «زندگی نیمه‌بدوی مردم این شهر من را برای ساخت چنین مستندی ترغیب کرد. در واقع این مستند روند تکامل زندگی مردم این منطقه را به تصویر می‌کشد.» «کوهستان سکوت» در طول ۲۷ بار سفر غریب‌زاده به این منطقه تولید شده است.





## فیلم نیمه بلند

## گره‌های ناآرام



مستند زیست‌محیطی «گره‌های ناآرام» به کارگردانی میلاد خالقی‌منش و فرشاد شکیبی، تاریخچه‌ی زندگی گربه‌سانان ایران مانند شیر، ببر و یوز ایرانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تصویربرداری این مستند در شرایط بسیار سخت و طی چهار فصل در مناطقی از جمله سمنان، شاه‌رود، تهران، دشت کویر، جنگل‌های شمال کشور و دشت لار تهران انجام شده است. یکی از سختی‌های کار در این پروژه کمبود تجهیزات تصویربرداری مناسب برای ساخت چنین اثری بوده که این مشکل با همکاری موسسه‌ی حیات وحش و دوربین‌های تله‌ای که این موسسه در طول کار در اختیار گروه قرار داده، تا حد زیادی حل شده است. آخرین سکانس این مستند در باغ وحش تهران و با تصویربرداری از حیواناتی که به خاطر شکار غیرقانونی دچار نقص عضو شده‌اند، به پایان رسیده است.

## فیلم کوتاه

## زندگی در جزر



امسال سه فیلم از استان خوزستان در جشنواره حضور دارد که «زندگی در جزر» یکی از آن‌هاست. فیلمی به کارگردانی سعید البوعبادی. «زندگی در جزر» به زندگی مردی می‌پردازد که باید منتظر جزر و مد دریا باشد تا بتواند پی لقمه‌ای نان برود. کار این مرد به این شکل است که وقتی آب دریا بالا می‌آید تا روز بعد که آب دوباره پایین برود، او به ساحل رفته و با سختی و تلاش فراوان به جست‌وجوی آهن‌هایی می‌پردازد که به واسطه‌ی بالا آمدن آب دریا به ساحل آمده است. او با زحمت زیاد آهن را جست‌وجو کرده و آن‌ها را بیرون می‌آورد تا از طریق فروش آن زندگی خانواده‌اش را اداره کند.

سعید البوعبادی پیش از این چهار مجموعه مستند در ۴۰ قسمت با موضوع مستند اجتماعی به سفارش شبکه‌ی خوزستان ساخته است. یک فیلم بلند مستند اجتماعی و فیلم‌نامه‌ی «پایان دوم» هم در کارنامه او وجود دارد که قبلاً در جشنواره‌ی فیلم فجر هم روی پرده رفته است.



## گزارشی از ماناسلو

در سال ۲۰۱۲ سه نفر از کوهنوردان ایرانی به قله ماناسلو (یکی از قله‌های هیمالیا) صعود می‌کنند، اما پس از صعود به قله با هوای بد مواجه شده و در راه بازگشت دچار حادثه انسانی می‌شوند.

## روایت صعود سه کوهنورد ایرانی به هشتمین قله مرتفع دنیا

## روز ماناسلو، شب توچال

رضا توفیق جو سال گذشته با فیلم «زار خاک» در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» شرکت کرده بود و امسال هم با فیلم «گزارشی از ماناسلو» در جشنواره حضور دارد. فیلمی که قصه‌ی سختی‌های کوه‌نوردی را به تصویر کشیده است. توفیق جو برای ساخت این مستند بلند، زمان زیادی را در ارتفاعات توچال سپری کرده و ایده‌های زیادی برای ساخت این فیلم داشته است. ایده‌ی اولیه‌ی فیلم دی ماه ۹۲ شکل گرفته است؛ زمانی که توفیق جو به همراه تعدادی از بچه‌های کوه‌نورد فیلمی از ماناسلو (هشتمین قله‌ی مرتفع دنیا) را تماشا کرد و با تماشای آن تحت تأثیر قرار گرفت.

## المیرا حصارکی

روزنامه‌نگار

## یک پیشنهاد پردر دسر

پیشنهاد اولیه‌ی خودش را برای ساخت به دوستانش داد و بعد از گذشت یک سال آن را اجرا کرد؛ «دی ماه سال ۹۲ بود که با بچه‌های کوه‌نورد، یعنی امید آقامحمدی، حسین صالحی و برادر زنده‌یاد جعفر ناصری دیدار داشتیم و آن‌ها از ماناسلو فیلم داشتند و به من سفارش ساخت چنین فیلمی را دادند. در واقع پیشنهاد خود بچه‌های کوه‌نورد بود و بعد از گذشت یک سال و نیم با همین بچه‌ها رفت و آمدهای مکرر داشتیم و با صحبت‌هایی که شد، از دی ماه سال ۹۲ تا شهریور امسال هم درگیر ساخت فیلم بودیم. برای من هم قصه‌ی جذابی بود و استقبال کردیم.»

پروژه‌ی تولید برای ساخت نزدیک به دو سال طول کشیده است. ایده‌های زیادی برای ساخت فیلم مطرح شده اما تیم تولید نیاز به یک ایده‌ی انسجام‌یافته داشته‌اند؛ «تقریباً یک سال و نیم و شاید هم بیشتر تر تولید فیلم طول کشید و طی صحبت‌های متعددی که با بچه‌ها داشتیم، اشراف بیش‌تری هم بر موضوع پیدا کردیم. بعد از آن به فیلم‌نامه رسیدیم و با توجه به فیلم‌نامه‌ای که داشتیم صحنه‌هایی با ارتفاع ۴ هزار متری در ایستگاه هفت توچال بازسازی کردیم و یک سری صحنه‌ها هم در تهران فیلم‌برداری کردیم. تقریباً سه ماه هم تدوین فیلم زمان برد.»

## بازسازی در توچال

طبیعتاً زمانی که از یک قصه در خارج از شهر، آن هم در دل کوه حرف می‌زنیم، پای مشکلات تازه‌ای به میان می‌آید. تیم تولید برای ساخت این مستند بلند، سختی‌های زیادی را تحمل کرده‌اند تا بتوانند آن را به سرانجام برسانند؛ «ما

سه روز در ایستگاه هفت توچال اقامت داشتیم و آن سه روز بسیار سخت بود. با این که در اردیبهشت ماه آن جا بودیم، اما پلان‌هایی که باید می‌گرفتیم شب بود و سه ساعت بیش‌تر نمی‌توانستیم فیلم‌برداری کنیم. چند ساعتی استراحت می‌کردیم و دوباره فیلم‌برداری را شروع می‌کردیم. خودم هم در آن مدت دچار سردردهای شدیدی شده بودم و به طور کلی شرایط سختی در آن محیط داشتیم. بچه‌ها هم دچار استخوان دردهای شدیدی می‌شدند.»

با این صحبت‌ها متوجه می‌شویم که لوکیشن اصلی توچال بوده و از کارگردان فیلم می‌پرسیم که آیا برای ساخت از بازسازی هم استفاده کرد است یا نه؛ «لوکیشن اصلی توچال بود، اما درصد زیادی از صحنه‌های فیلم از صحنه‌هایی است که بچه‌ها در مسیر صعودشان به ماناسلو داشته‌اند و بازسازی‌های زیادی نداریم. به دلیل این که شب تا صبح که دوربین‌شان کار نکرده است، ما یک سری صحنه‌ها را فیلم‌برداری کرده‌ایم. بیش‌تر صحنه‌ها را خود بچه‌ها از ماناسلو داشتند و ما از آن‌ها استفاده کردیم.»

## مستندی برای همه

مستندی که قصه دارد، به خوبی می‌تواند با عموم مردم ارتباط برقرار کند. رضا توفیق جو این نکته را یکی از ویژگی‌های مثبت این مستند بلند می‌داند؛ «زمانی که یک قصه صادقانه روایت می‌شود، باعث آشنایی مخاطب با اتفاقات و شرایط مختلف می‌شود. به همین دلیل زمانی که قصه صادقانه روایت می‌شود، تماشاگر با فضای جدیدی مواجه می‌شود که برایش قابل احترام است. وقتی سوژه صادقانه بیان می‌شود، تلخ و شیرینی‌اش هم مهم نیست؛ فقط این موضوع اهمیت دارد که بیننده را با یک جهان جدید روبه‌رو می‌کند که برای او ابهام‌برانگیز است. سعی کردم در فیلم دنیای درونی افرادی را که تمام هویت‌شان با کوه‌نوردی شکل گرفته است، با مخاطب آشنا کنیم.»



## رضا توفیق جو

متولد ۱۳۵۸ شهر رشت و دانش‌آموخته مهندسی معدن است. فیلم‌تئاتر اوراتوریو، فیلم تئاتر خانه برنارد آلبا و فیلم مستند زارخاک از جمله ساخته‌های اوست. حضور در جشنواره بین‌المللی Silk Road دویلین ۲۰۱۵ از جمله حضورهای بین‌المللی رضا توفیق جو است.



کار در واگن

هر روز صبح وقتی واگن های مترو به حرکت درمی آید، شهری در زیرزمین تهران به جنبش درمی آید. در متن این شهر زیرزمینی زنان دست فروش مترو به سان چریک های شهری در تقلا با بقادر واگن های مترو به تکاپو می افتند. این مستند نگاهی تحلیلی و واقع گرا دارد به چرایی و دوام رو به گسترش پدیده ی زنان دست فروش متروی تهران و با یکی از آنها همراه می شود.

## «کار در واگن» داستان زن های دست فروش مترو را روایت می کند خرید و فروش در زیر زمین

پریسا عشقی قبل از این که ساخت «کار در واگن» را تجربه کند، بیش تر سراغ ساخت مستندهایی با سوژه های فرهنگی می رفت. مثل آخرین مستندی که کار کرد و اسمش «خانه سیمین و جلال» بود؛ مستندی درباره ی زندگی سیمین دانشور و جلال آل احمد. اما این بار موضوع اشتغال زنان در مترو ذهنش را درگیر کرده است و بعد از مدتی تحقیق تصمیم گرفته که این مستند را جلوی دوربین ببرد. سوژه های هیجان انگیز و در عین حال سخت. برای گرفتن فیلم در واگن های مترو با دردسرهای زیادی روبه رو شده، اما عقب نشینی نکرده، چون آن قدر با این سوژه درگیر شده بوده است که دوست داشته کاری در این حوزه انجام بدهد.

### المیرا حصارکی

روزنامه نگار

رفت و آمدهای دردناک

ایده ی ساخت مستند «کار در واگن» زمانی که درگیر ساخت «خانه سیمین و جلال» بود به ذهنش رسید. برای رسیدن به مقصد از مترو استفاده کرد و با دیدن زنانی که در مترو به فروشندگی مشغول بودند، به فکر ساخت مستندی در همین زمینه افتاد؛ «حدود سال ۹۰ یا ۹۱ بود که درگیر کار مستند قبلی ام بودم. روزها با مترو می رفتم و می آمدم و در همین رفت و آمدها خانم های دست فروش را می دیدم. خانم هایی که تعدادشان کم نبود و همه ی آنها مشغول فروختن اجناسشان بودند. با یکی دو نفر از آنها صحبت کردم و بعد از مدتی که تحقیق کردم، متوجه شدم از خانواده های کم بضاعت و بی سرپرست هستند. کسانی که مشکلات مالی دارند و به دلیل این که مهارت خاصی ندارند، به این کار روی آورده اند. آن زمان که این موضوع ذهنم را درگیر کرد، زمانی بود که مدیریت جدید شبکه مستند آمدند، گفتند ما از کارهای اجتماعی استقبال می کنیم. اوایل این طرح را با ناامیدی ارائه کردم؛ به دلیل این که می دانستم موضوع ناراحت کننده ای است و شاید تلویزیون موافقت نکند. اما این طرح مورد استقبال قرار گرفت و تولید فیلم را شروع کردیم.»

فراری از دوربین ها

نزدیک به یک سال پروسه ی تولید این مستند بلند طول کشیده و بیش ترین نگرانی روزهای تولیدش به فیلم برداری در متروی تهران و شلوغی بازمی گشت: «از سال ۹۳ که طرح را ارائه کردم، تحقیقات میدانی را

باشند. تمام تلاشم این بود که زمانی که مخاطب فیلم را تماشا می کند، احساس کند متروی تهران در سال ۹۴ را می بیند. سعی کردم یک تصویر واقعی از شهر زیرزمینی تهران نشان بدهم.» دغدغه های اجتماعی جزئی از زندگی هنرمندان است و کارگردان «کار در واگن» هم قبل از ساخت این مستند با مقوله ی زنان مستندی را تهیه کرده بود؛ «تمام مستندهایی که ساخته ام در رابطه با میراث فرهنگی بوده است، اما با این موضوع آشنایی داشتم. اولین مستندی هم که ساختم درباره ی خانم هایی بود که رابط بهداشت می شوند و اصلا اسمشان «رابط بهداشت» بود. در آن سال ها احساس می کردم زنان ایرانی توانایی بسیار زیادی دارند که وارد اجتماع شوند و برای جامعه شان مفید باشند. اما در واقع فیلم «کار در واگن» نخستین فیلمی است که درباره ی خانم ها ساخته ام و به آنها توجه کرده ام.»

سینما حقیقت، ۱۰ سال بعد

در پروسه ی ساخت این مستند، پریسا عشقی با این موضوع همراه شده است و مقوله ی زنان و اشتغال آنها تبدیل به یکی از دغدغه های اصلی او شده و می گوید ممکن است باز هم سراغ مستندی در همین حال و هوا برود؛ «زمانی که کار مستند انجام می دهید، متوجه می شوید چقدر ساختن فیلم مستند دشوار است و با خودتان می گوید نمی توانم این کار را انجام بدهم. با توجه به این که تمام ساخته های قبلی ام در باره ی موضوعات فرهنگی بوده است، زمانی که مشغول ساخت مستند «کار در واگن» بودم، برای فضای کارهای قبلی ام دل تنگ شدم اما در حال حاضر که این کار به پایان رسیده است، دوست دارم باز هم مستندهای اجتماعی بسازم. این را هم بگویم که ساخت کارهای مستند بسیار دوست داشتنی، جذاب و در عین حال خطرناک است.»

کارگردان «کار در واگن» مانند بسیاری از مستندسازان، برگزاری جشنواره ی «سینما حقیقت» را راهی برای پویا شدن عرصه ی مستند سینمای ایران می داند؛ «جشنواره ی سینما حقیقت مهم ترین و به نوعی پیشانی سینمای مستند به حساب می آید. بعد از جشنواره ی سینما حقیقت هم جشن خانه ی سینما است. در واقع ما همین دو جشنواره را داریم که برایمان اهمیت زیادی دارد. به دلیل این که تمام مستندهای ساخته شده در طول سال به نمایش درمی آیند و مستندسازان با آثار دیگری آشنایی شوند. فکر می کنم ۱۰ سال دیگر حضور یافتن در چنین جشنواره هایی بسیار سخت خواهد شد و با گذشت زمان کیفیت بهتری خواهد داشت.»

شروع و تمام خطوط متروی تهران را بررسی کردم. در طول این مدت نگران پروسه ی فیلم برداری بودم که آیا می شود همه ی این مسائل را مقابل دوربین ببریم؟ به دلیل این که چهره ی افراد نشان داده می شد و زمانی که دوربین وجود دارد، حداقل ۶ یا ۷ نفر پشت دوربین هستند و یک کار گروهی است. بعد از مدتی تصمیم گرفتم بر خط تجربش - که هرگز تمرکز کنم؛ به دلیل این که تعداد زیادی از دست فروش ها در آن خط هستند و همه ی اقشار جامعه در آن خط دیده می شوند. زمانی که فیلم برداری را آغاز کردیم، تمام کسانی که قول داده بودند صحبت کنند، اصلا حاضر نشدند مقابل دوربین قرار بگیرند. جدا از این موضوع، فیلم برداری در مترو هم بسیار دشوار بود و قوانین خاص خودش را داشت. اما با همه ی این احوال در پروسه ی تولید توانستیم با تعداد کمی از خانم ها صحبت کنیم و بعضی هم خواستند که چهره شان نشان داده نشود و صحبت کردند. در این میان تنها یک خانم حاضر شد به خانه اش هم برویم و شرایطی را که داشت، از نزدیک ببینیم.»

یک مستند زانه

هر فیلم سازی برای نزدیک شدن به قصه ی فیلم، پروسه ی ویژه ای را طی می کند. مهم ترین نکته برای پریسا عشقی این بوده است که هیچ چیزی بازسازی نشود و تمام سکانس ها واقعی برداشت شود تا مخاطب با داستان همراه شود؛ «زمان کارگردانی تمام تلاشم این بود که چیزی بازسازی و تکرار نشود. به دلیل این که احساس می کردم تمام مسائلی که وجود دارد، تکرار نشدنی است و به همین دلیل روی صدا و تصویر بسیار حساس بودم و اصرار داشتم با صدا بردار و تصویر برداری همکاری کنم که کار مستند انجام داده

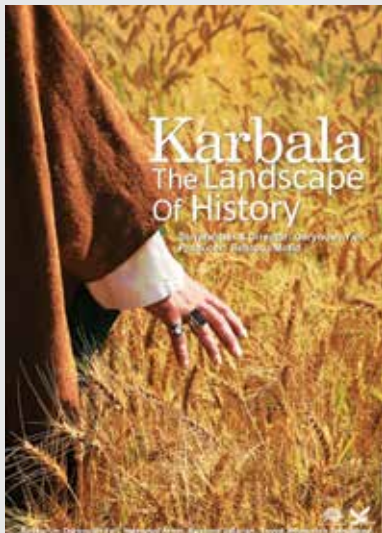


پریسا عشقی

متولد ۱۳۵۰ در تهران است و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر تهران دارد. او پیش از این فیلم های «حوض ایرانی»، «حیات در حیات»، «جلال آل احمد» و «خانه سیمین و جلال» را ساخته است.



# Karbala; Geography of a History



Darius Yari: We conducted research for seven years prior to shooting and we dedicated two years of research to the architecture section. The research and writing process was a time-consuming process. Obviously after wrapping up the research, we should have started writing a script; Karbala; Geography of a History has an 80-page script that it took me one year to write along with Mohammad Tahaminejad as the advisor. This documentary has a screenplay just like a feature film. After finishing the script, we had nearly 30 sessions of shooting that were completed in 35 days. That is beside the Arba'een trip that took me and my three-man team to Karbala for shooting. In fact, we were a ten-man team that was divided into groups of three to shoot the Arba'een March. In order to achieve our goal, we had no choice but to gather fresh and correct materials as well as excerpts from the authentic historical texts and maghtals and insert them in the story. For example, Imam Hussein (AS) has made numerous comments and we tried to study them all and use a selection of them in the film. That's why I haven't written any sentences in Karbala; Geography of a History as a writer. In another section, rituals and cultures related to Ashura, that are of various nature, have been discussed.

## «کربلا جغرافیای یک تاریخ»، تصویر شاعرانه واقعه‌ی عاشورا است روایت یک حماسه

داریوش یاری فعالیت خود را با ساخت چندین فیلم کوتاه آغاز کرد و همکاری در پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی به عنوان مدیر تولید، دستیار کارگردان و مدیر برنامه‌ریزی، شروع کار او در سینما بود. اما با ساخت فیلم‌های بلند مستند، راه تازه‌ای را شروع کرد. او امسال با فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» شرکت کرده است. مستند بلندی که محور اصلی آن درباره‌ی واقعه‌ی کربلا است.



### داریوش یاری

از دانشگاه سوره کارشناسی کارگردانی دارد. در سابقه‌ی او ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی و مجموعه مستندهای آیینی «در رکاب نگین فیروزه‌ای» و «یک ایوان تماشا» دیده می‌شود. همچنین سریال‌های «مدرسه ما» و «خانه‌ی روی تپه» و تله‌فیلم‌های «حبيب»، «حرف مردم»، «مسافر باران» و... را هم او ساخته است. او برای فیلم‌های مستند و داستانی‌اش تا به حال بیش از پانزده جایزه‌ی بین‌المللی و داخلی برده است.

چون فیلم تصویری دارد که تماشاگر را احساساتی می‌کند. در واقع ما به صدایی نیاز داشتیم که با حس و حال خاصی تماشاگر را بیش تر تحت تاثیر قرار ندهد. به همین دلیل از آقای حسینی خواهش کردم در فیلم صحبت کنند و می‌دانستم که این توانایی را دارد صدایش را به حالت خنثی در بیاورد. این موضوع برایم اهمیت داشت که به صورت عادی صحبت کند و در هیچ زمانی صدایش بالا و پایین نداشته باشد. زمانی هم که خودم فیلم را دیدم، متوجه شدم که نریشن اصلا تماشاگر را درگیر نمی‌کند.

مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» در جشنواره‌های زیادی به نمایش درآمده است. در این مدت تغییری هم نداشته است؟  
بله، این نسخه‌ای که در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» می‌بینید، حداقل ده دقیقه کوتاه شده است و فیلم بسیار متفاوت‌تر از نسخه‌های قبلی است و فکر می‌کنم روند درستی دارد. این ده دقیقه‌ای که کوتاه شده، برای فیلم مفید بوده است. وقتی فیلم در جشنواره‌ی فیلم فجر به نمایش درآمد، بخشی از نظرات داوران و مخاطبان را شنیدیم و نقص‌های فیلم را متوجه شدیم و سعی کردیم در جشنواره‌ی «سینما حقیقت» آن‌ها را ترمیم کنیم.

فکر می‌کنید جشنواره‌ی «سینما حقیقت» چه تاثیری در پویایی عرصه‌ی مستند سینمای ایران دارد؟  
من دو دوره داور بودم؛ یک دوره در جشنواره‌ی شهید آوینی و یک دوره هم در جشنواره‌ی «سینما حقیقت». بعد از دوره‌هایی که داور بودم، به جشنواره‌ها نرفتم و فیلم ندیدم اما امسال می‌خواهم حضور مداوم داشته باشم و بینم چه اتفاقاتی می‌افتد. اما به دلیل این‌که جشنواره تخصصی است و ادعای یک جشنواره‌ی تخصصی را دارد، حتما

جلسات گفت‌وگو و نقد و بررسی خوبی درباره‌ی فیلم‌ها برگزار خواهد شد و این فرصتی خواهد بود برای این‌که فیلم‌سازان نقد فیلم‌هایی را که ساخته‌اند از زبان دیگران بشنوند که بسیار مساله‌ی مهمی است. ما در جشنواره‌ی فیلم فجر چنین جلساتی نداشتیم و جشنواره‌ی «سینما حقیقت» تنها جشنواره‌ی تخصصی است که باید این اتفاق در آن بیفتد. در واقع میدان گاهی است که قرار است حرف‌های خوبی در آن بشنویم و افرادی که علاقه‌مند به فیلم‌های مستند هستند، به تماشای فیلم‌های نشینند.

### ایده‌ی اولیه‌ی ساخت مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» از کجا آمد؟

ایده‌ی اولیه توسط یکی از دوستانم به اسم محمدعلی قلی‌زاده - که فیلم‌بردار است - شکل گرفت. یک روز که با هم صحبت می‌کردیم، پیشنهاد داد نگاه‌ی به معماری و جغرافیای شهر کربلا داشته باشیم که چطور ساخته شده است و بعد از آن در مورد این موضوع تحقیقاتی انجام دادیم و مطالعاتی داشتیم و به کربلا سفر کردیم و بعد از آن موضوع برایمان جدی شد. اما بخش جدی تحقیق و پژوهش‌های فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به معماری آن تعلق دارد. با این حال در حال حاضر که فیلم را می‌بینید، سهم بخش معماری کم‌تر است. در واقع در نهایت فیلم به سمت دیگری رفت و به جای اینکه یک فیلم مستند در مورد معماری باشد، به فیلمی درباره‌ی این‌که حادثه‌ی عاشورا، چطور به حماسه تبدیل شده است، تغییر پیدا کرد.

### در این تحقیقات و پژوهش‌ها چه پرونده‌ای طی شد؟

قبل از فیلم‌برداری نزدیک به هفت سال تحقیق و پژوهش داشتیم و دو سال به بخش معماری پرداختیم. پرونده‌ی نگارش و پژوهش طولانی بود. بعد از این‌که تحقیقات ما به پایان رسید، قبل از هر کاری باید فیلم‌نامه می‌نوشتیم؛ فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» یک فیلم‌نامه‌ی هشتاد صفحه‌ای دارد که با مشاوره‌ی آقای تهامی نژاد نوشته‌ام و نزدیک به یک سال نوشتن آن زمان برد. این کار مثل یک فیلم سینمایی فیلم‌نامه دارد. بعد از اتمام فیلم‌نامه، نزدیک به ۳۰ جلسه فیلم‌برداری در ۳۵ روز انجام دادیم. این ۳۵ روز جدا از سفر اربعین است که من همراه با تیمی سه نفره برای فیلم‌برداری به کربلا رفتیم. در واقع یک گروه ۱۰ نفری بودیم که به گروه‌های سه نفره تقسیم شدیم و مسیر راه‌پیمایی اربعین را فیلم‌برداری کردیم.

### در این مسیر چه کارهایی انجام دادید که به فضای فیلم نزدیک شوید؟

ما برای این‌که بتوانیم به نتیجه برسیم، باید مطالب تازه و در عین حال درست و همین‌طور گزیده‌ای از تاریخ و مقاتل با سندیت کامل جمع‌آوری می‌کردیم و در قصه می‌آوردیم. برای مثال امام حسین (ع) صحبت‌های زیادی داشته‌اند و ما سعی کردیم با مطالعه‌ی همه‌ی این مسائل، یک گزیده از آن‌ها را در فیلم بیاوریم. به خاطر همین من هیچ جمله‌ای را در فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به عنوان نویسنده نرفته‌ام. بخش دیگری هم به آیین‌ها و فرهنگ‌های مرتبط به عاشورا مربوط می‌شود که آیین‌های مختلفی که وجود دارد و درباره‌ی آن‌ها بحث شده است.

### حضور و همکاری با شهاب حسینی چطور شکل گرفت و چطور پیش رفت؟

ما با تعدادی گوینده‌ی خوب همکاری کردیم که نریشن‌ها را گفتند. اما بعد از این‌که فیلم را با خانم ایپکچی و آقای معینی دیدیم، احساس کردیم صدای راوی به دلیل جملاتی که وجود دارد احساساتی می‌شود و تن صدایش بالا و پایین می‌شود. به همین دلیل حس تماشاگر را تغییر می‌دهد، در حالی که صدا نباید این کار را انجام می‌داد.

امام حسین (ع) صحبت‌های زیادی داشته‌اند و ما سعی کردیم با مطالعه همه این مسائل، یک گزیده‌ای از آن‌ها را در فیلم بیاوریم. به خاطر همین من هیچ جمله‌ای را در فیلم «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به عنوان نویسنده نرفته‌ام





## از کالیگاری تا هیتلر (From Caligari to Hitler) داستان سال‌های طلایی سینمای آلمان

### درباره فیلم

وایسبرگ در مقام منتقد نشریه‌ی معتبر «ورایتی» درباره آن چنین نظری دارد: «کلیپ‌های سینمایی فوق‌العاده زیبایی که در این مستند قرار گرفته‌اند می‌توانند دلیل اصلی هر تماشاگری برای دیدن آن باشند. «از کالیگاری تا هیتلر» بیش‌تر ترسیم خام‌دستانه‌ی تزی طولانی و خسته‌کننده است تا یک مستند پیشگامانه و موفق. فیلم مطالعه‌ی اندیشه‌آفرین زیکفریت کراکاتر در سال ۱۹۴۷ درباره‌ی سینمای ویمار را برداشته، و نکته‌ها و مسائل بسیاری را از آن تکرار کرده است، بدون در نظر گرفتن این موضوع که این بحث‌ها به نوعی تکراری شده و زمانشان به سر رسیده است. از این رو آن چه در اثر سوچلاند غایب است، هر گونه اشاره‌ای به تأثیرات غیر آلمانی است و هم‌چنین بی‌اعتنایی کامل این فیلم به سینمای ویلهلمن و... (پیش از ویمار)؛ به عبارت دیگر، فیلم به‌راحتی از کنار پژوهش‌های مهم بیست سال گذشته عبور می‌کند. با تمام این حرف‌ها، هم‌چنان کیفیت تصویری فیلم آن قدر خوب است که می‌تواند یک نسخه‌ی دی‌وی‌دی خوب را به آرشو علاقه‌مندان اضافه کند.»

### خلاصه داستان

مطب دکتر کالیگاری (۱۹۲۰)، نوسفراتو (۱۹۲۲)، مترو پولیس (۱۹۲۷)، برلین، سمفونی یک مترو پولیس (۱۹۲۷)، مردم در روز یک‌شنبه (۱۹۳۰) و ام (۱۹۳۱) همه در زمره‌ی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فیلم‌های کلاسیک سینمای اروپا قرار دارند. این مستند داستان سینمای آلمان را در اولین سال‌های شکل‌گیری روایت می‌کند و توأمان به داستان تحول اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اول در بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳ هم می‌پردازد.

### شناسنامه فیلم

نویسنده و کارگردان: رودیگر سوچلاند بر اساس کتابی از زیکفریت کراکاتر، محصول آلمان ۱۱۸،۲۰۱۴ دقیقه.

## گپی کوتاه با رودیگر سوچلاند سازنده «از کالیگاری تا هیتلر» کراکاتر پایه‌گذار نقد فیلم در آلمان است

### شناخته‌شده است؟

آن قدر گسترده که من هم غافل گیر شدم. در واقع این کتاب در آلمان شهرت کم‌تری دارد. در ایالات متحده و کشورهای اسپانیولی‌زبان و هر جایی که زبان‌های رمانتیک رایج بوده، خیلی مشهور است. در اصل این کتاب حکم معرفی و شناخت سینمای دهه‌ی ۱۹۲۰ و در کل سینمای آلمان را دارد که همه می‌دانند در دهه‌ی بیست مهم‌ترین سینمای جهان بوده است. تا حدی حتی از هالیوود هم مهم‌تر بود. در اصل اوج هالیوود با مهاجران اروپایی و فیلم‌سازانی مانند آرنست لوبیچ، فردریک ویلهلم مورناتو یا فریتس لانگ آغاز شد که در سال ۱۹۳۳ یا پیش از آن به آمریکا مهاجرت کردند.

### دریافت‌های ناخودآگاه کارگردانان بود؟

در واقع همان عنوانش همه چیز را می‌گوید. او سینمای آلمان را مد نظر قرار داد و کوشید پیام‌های روان‌شناختی‌اش را استخراج کند. او حتی از شیوه‌ی روان‌کاوی فروید بهره برد. کراکاتر آن چه را در زیر پنهان بود تحلیل کرد نه بدیهیات موجود در این فیلم‌ها را. از سوی دیگر، او سینما را به عنوان شکلی از رسانه‌های گروهی بررسی کرد؛ به عنوان نوعی شاخص و لرزه‌نگار برای سنجش آگاهی جمعی. به عنوان مثال مبنای تحلیل او چنین سؤال‌هایی بود: آیا تحول مخرب فاشیسم را می‌توان در این فیلم‌ها ردیابی کرد؟

کتاب کراکاتر امروز در آلمان و سراسر جهان چقدر

### چطور با کتاب زیکفریت کراکاتر مواجه شدید؟

کراکاتر مهم‌ترین منتقد فیلم دوره‌ی جمهوری ویمار بود. او در اصل نقد فیلم را بلافاصله پس از جنگ جهانی اول در آلمان پایه‌گذاری کرد. در این دوره بود که او در روزنامه‌ی «Frankfurter Zeitung» می‌نوشت که مهم‌ترین روزنامه‌ی این دوران شناخته شد. کراکاتر یهودی، لیبرال و نویسنده‌ی چپ بود که در ماه مارس ۱۹۳۳ آلمان را ترک کرد. او ابتدا سال‌های تبعید را در پاریس گذراند و سپس در ایالات متحده کتابش با عنوان فرعی «تاریخچه‌ی روان‌شناختی از سینمای آلمان» را نوشت.

کتابش کم‌وبیش درباره







نیلز استکهلم یکی از کشاورزان آرمان‌گرای دانمارک است. او به اتفاق همسرش، ریتا، مزرعه‌ای زیست‌پویا (Biodynamic Farm) را اداره می‌کند. آن‌ها در مزرعه‌شان محصولات تولید می‌کنند که به بعضی از بهترین رستوران‌های جهان فرستاده می‌شوند. اما در منطقه‌ی آن‌ها همه طرف‌دار و علاقه‌مند به شیوه‌های این زوج نیستند. مقامات مسئول و دیوان‌سالاری حاکم بر این منطقه تا جایی پیش رفته که ممکن است باعث تعطیلی مزرعه‌ی آن‌ها شود.

نشریه روزانه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

شماره ۲، دوشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۹۴  
Iran International Documentary Film Festival  
No.2, Mon, 14<sup>th</sup>, Dec 2015

۱۷

او برای ساختن فیلمی درباره مکانی به من اعتماد کرده است که خودش بیش‌تر درباره آن اطلاعات دارد. پس از آغاز همکاری‌مان نیز در تمام مدت احساس می‌کردم که دارم از او می‌آموزم.

کریستوفر دوئل بزرگ هم‌فیلم‌برداری این مستند را بر عهده دارد. این همکاری چطور میسر شد و کار کردن با او چطور تجربه‌ای را برای شما رقم زد؟  
دیوید هولمز باعث این آشنایی شد. البته که من عاشق و دل‌بسته‌ی تصاویر کریس هستم؛ به‌خصوص در فیلم «در حال و هوای عشق» اثر ونگ کار وای. من مدتی در هنگ کنگ بودم که کریس هم آن‌جا زندگی می‌کند. در آن دوره از زندگی‌ام با مگی چونگ ستاره‌ی «در حال و هوای عشق» هم آشنا شدم ولی هرگز فرصت دیدار با کریس را پیدا نکردم. در نهایت هم متوجه شدم او بعضی از کارهای مرا دیده است و دوست دارد. او هم در پاسخ ایمیل من نوشت: «بله! بله! بله!» که برای من خیلی هیجان‌انگیز بود. دنیای سینما پر از پاسخ‌های منفی و «نه» است، پس «بله»ها حکم سوخت موشک را پیدا می‌کنند. همکاری با کریس دوئل یکی از بهترین تجربه‌های حرفه‌ای زندگی‌ام بود. احساس می‌کردم که می‌توانم ایده‌ای را برای یک تصویر با کریس در میان بگذارم و او آن را برابم به هر تریبی که شده بگیرد و از کار دریابورد. دقیقاً این احساس را داشتم که ما به یک زبان صحبت می‌کنیم و هر دو به اندازه‌ی هم سریع هستیم و به بهای کوهی می‌مانیم. علاوه بر این ویژگی‌ها، ما موهای خیلی مشابهی هم داریم. من شیفته‌ی کریس هستم و واقعاً باعث افتخارم است که او فیلم بعدی‌ام را هم فیلم‌برداری خواهد کرد.

از زمان بندی تولید و فیلم‌برداری بگویید.  
در طول یک بازه‌ی زمانی دوساله گاهی وقت‌ها با دوربین کوچکم در فصل‌های مختلف فیلم‌برداری کردم. پس از آن با کریس و یک گروه بلفاستی بزرگ (البته برای من و به نسبت پروژه‌هایم) سه روز فیلم‌برداری کردیم. این زمان آشکارا زیاد نیست پس ما در این سه روز روی صحنه‌های مهم فیلم کار کردیم؛ آن‌هایی که به طور مثال به حرکت‌های دوربین نیاز داشتند و البته هر صحنه‌ای که به بازیگر اصلیمان، هلنا برین بزرگ، مربوط می‌شد. تماشاگران از فیلم شما چه انتظاری می‌توانند داشته باشند؟

می‌توانم این وعده را بدهم که آن‌ها می‌توانند توقع رویارویی با غیرمنتظره‌ها را داشته باشند. «من بلفاست هستم» یک فیلم نامتعارف است. یک تریلر یا مستند یا فیلم تاریخی نیست. ما آن را رئالیست جادویی خوانده‌ایم. فیلم از دوره‌های سخت و دشواری روی گردان نیست که شهرمان در نسل‌های اخیر به خود دیده است بلکه تلاش می‌کند نگاهی به زندگی رؤیایی این شهر داشته باشد. دیمین کتر، جشنواره فیلم بلفاست



## گفت‌وگو با مارک کازینز درباره «من بلفاست هستم» (I Am Belfast) بلفاست مثل یک ملودرام است، شهری کاملاً زنانه

بیش‌تر شخصیت‌های مقتدری که در دوران رشد، پیرامونم حضور داشتند و آن‌ها را می‌شناختم، از زنان بودند. در اتوبوس‌ها و خیابان‌ها زنان بیش‌تر حضور داشتند و به کارهای مختلفی مثل خرید روزانه و... مشغول بودند. علاوه بر این‌ها، مردان درون‌گرا بودند و این زنان بودند که دائم با شور و حرارت حرف می‌زدند و مثل بازیگران غلوآمیز رفتار می‌کردند. بلفاست مثل یک ملودرام بود و هست؛ قالبی که کاملاً زنانه است.

چطور آهنگ‌سازی در حد و اندازه‌ی دیوید هولمز وارد پروژه شد؟

ایرواین ولش رمان‌نویس، مرا به دیوید معرفی کرد. سال‌هاست طرف‌دار پروپاقرص دیوید هستم و در تلاش برای ساخت فیلمی که ایرواین آن را کارگردانی و دیوید موسیقی متن‌اش را تصنیف کند. از همان ابتدا شیفته‌ی دیوید شدم. او آدم کاملاً پرشور و پراحساسی است و خیلی خوب می‌تواند ایده‌های خسته‌کننده را کنار بگذارد و وارد قلمرو کار خلاقه شود. به این دلیل بود که شرحی از «من بلفاست هستم» را برای او فرستادم و پرسیدم که آیا تمایلی به ساخت موسیقی این فیلم دارد. برای من خیلی شورانگیز بود که او خیلی زود پاسخ مثبتش را برابم ایمیل کرد. واقعاً هیجان‌زده و متأثر شده بودم که

چطور به ایده‌ی اولیه این فیلم رسیدید و مشتاق ساختن آن شدید؟

بیست سال است که می‌خواهم درباره بلفاست فیلم بسازم. اولین ایده‌ام این بود که فیلمی درباره دو شهر بسازم، بلفاست و مسکو. در سال ۱۹۸۹ بود که به مسکو رفتم و این شهر مرا به یاد زادگاهم انداخت. اما سال‌ها گذشت و تجهیزات فیلم‌سازی ساده‌تر و مشکلات از میان برداشته شدند. از این رو تصمیم گرفتم با یک دوربین کوچک در خیابان‌های بلفاست قدم بزنم و از آن‌چه توجهم را به خود جلب می‌کند فیلم بگیرم. پس از آن درباره‌ی شهرهای دیگری مثل مکزیکوسیتی و تیرانا (پایتخت کشور آلبانی) هم فیلم ساختم. اما زمانی که دوباره فیلم فوق‌العاده‌ی «من کوبا هستم» (میخاییل کالاتازوف، ۱۹۶۴) فیلمی که روس‌ها و کوبایی‌ها از آن استقبال نکردند و ابتدا فراموش شد، اما پس از سی سال توسط فیلم‌سازان آمریکایی کشف شد و مارتین اسکورسیزی به ترمیم آن کمک کرد) را تماشا کردم، ناگهان این فکر در ذهنم جرقه زد که «چرا فیلمی با همین عنوان نسازم؟ جایی که خود شهر سخن می‌گوید؟ کمی مثل یک افسانه»

شما اعتقاد دارید بلفاست شهر خیلی «زنانه» ای است. چطور؟

«من بلفاست هستم» یک فیلم نامتعارف است. یک تریلر یا مستند یا فیلم تاریخی نیست. ما آن را رئالیست جادویی خوانده‌ایم و نگاهی به زندگی رؤیایی این شهر داشته‌ایم.



## Mark Cousins: I Am Belfast

'Did we really do that? Were we that inhuman? Yes, we were.' Auteur on exploring the past, present and future of the city of his birth at the Belfast Film Festival:  
At the centre of I Am Belfast is its notional guide, a 10,000-year-old woman (Helena Beren), the city in human form, who wanders its avenues, soaking in its essence. She mourns the cruelties that her citizens wrought

upon each other and for the residue of such pain. Cousins acknowledges that to have avoided addressing the past seemed futile. 'We just need to be honest with ourselves... We really have to admit that the Troubles were so recent that it's still in our unconscious mind, a wound that is still healing. In fact, when you stop fighting, you are amazed at how bad things got.  
'We did terrible things,' he continues. 'It should

bubble up, in our minds, in our hearts, in our sadness. In the middle of the joy, modernity and new tolerance that we have, we have to allow a bit of space to acknowledge that creature from the Black Lagoon, that sense of, "Wow, did we really do that? Were we that inhuman?" Yes, we were.'



محسن عبدالوهاب

در مراسم بزرگداشت مرحوم مقدسیان چند چهره درباره‌ی او صحبت کردند که عبدالوهاب، از مستندسازان قدیمی، یکی از آنها بود

## گزارش تصویری از اولین روز جشنواره گزارش دوبزرگداشت

روز اول، روز شلوغی بود. روز بزرگداشت مرحوم محمدرضا مقدسیان، روز برگزاری شش نشست برای شش فیلم در اولین «شب نقد» و روز برگزاری جشن تولد ۶۶ سالگی مرحوم ناصر حجازی. صبح یکشنبه، جشنواره با حضور مسوولان افتتاح شد و نمایش فیلم‌ها کلید خورد. ۴۸ فیلم در بخش‌ها و سالن‌های مختلف روی پرده رفت و مخاطبان و چهره‌ها و مسوولان به تماشای فیلم‌ها نشستند. بعد از ظهر مراسم بزرگداشت مرحوم مقدسیان با حضور چهره‌هایی مانند محمدرضا اصلاتی، رخشان بنی‌اعتماد، حسین ترابی و... برگزار شد. در همین ساعت‌ها شش فیلم از ساعت ۱۷:۴۵ تا ۱۹:۳۰ نقد شدند. بعد از این نشست‌ها هم یک جشن تولد شلوغ و پر مخاطب برای ۶۶ سالگی مرحوم ناصر حجازی با حضور پسرش و همبازبان قدیمی‌اش برگزار شد. چهره‌هایی مانند ارد عطارپور، مجتبی میر طماسب، مهدی گنجی، محمد کارت، مجید برزگر، منوچهر طیب و... از مهمان‌های روز اول جشنواره بودند که به سینما فلسطین آمدند.



مجید برزگر

کارگردان فیلم «پرویز» از مهمان‌های روز اول جشنواره



سالن اصلی جشنواره

از ساعت اولیه روز اول جشنواره، سالن انتظار شلوغ بود



بزرگداشت محمدرضا مقدسیان

همسر مرحوم مقدسیان در مراسم بزرگداشت همسرش حاضر بود





▼ آتیلا حجازی

مازیار فکری از شاد قبل از نمایش مستند پرتره‌ی ناصر حجازی روی سن آمد و از آتیلا حجازی دعوت کرد درباره‌ی فیلم حرف بزند



▼ مراسم رونمایی از «من ناصر حجازی هستم»

آتیلا حجازی و مادرش قبل از نمایش فیلم «من ناصر حجازی هستم» در سینما فلسطین حضور پیدا کردند



▲ سینما فلسطین

فیلم‌های بخش‌های مختلف جشنواره در سه سالن روی پرده می‌روند



▲ جشن تولد ناصر حجازی

در آخرین سانس نمایش جشنواره، قبل از نمایش فیلم مستند «من ناصر حجازی هستم» دوستان و همبازیان قدیمی او روی سن سالن شماره یک سینما فلسطین آمدند و شمع تولد ۶۶ سالگی او را دسته‌جمعی فوت کردند

## جشن تولد ۶۶ سالگی زنده‌یاد ناصر حجازی در روز اول جشنواره شمعی به یاد اسطوره



چند نفر با پرچم آبی تیم استقلال و عده‌ای هم با تی شرت‌هایی که عکس ناصر حجازی و جمله‌ی «باران حجازی» روی آن‌ها چاپ شده بود، بین جمعیت در رفت و آمد هستند. آتیلا حجازی که روی سن سالن شماره‌ی یک سینما فلسطین می‌آید، جمعیت به سبک و سیاق ورزشگاه با دست‌های سه‌ضرب فریاد می‌زند «یادگار اسطوره... یادگار اسطوره...» آتیلا حجازی به نشانه‌ی تشکر برای جمعیت دست تکان می‌دهد و می‌گوید «راستش را بخواهید من اصلا فکر نمی‌کردم که روزی این فیلم ساخته شود. در روزهای شروع کار مدام به بچه‌ها می‌گفتم که وقتتان را تلف می‌کنید. اما بعد از دو سال این فیلم ساخته شد.» حجازی این‌طور می‌گوید که از سینما چندان سردر نمی‌آورد اما این فیلم را دوست داشته و امیدوار است جمعیتی هم که در سالن این فیلم را تماشا می‌کنند، آن را دوست داشته باشند. بعد از حرف‌های آتیلا

مومنی، امید روان‌خواه، بهتاش فریبا و فرامرز ظلی دعوت می‌کند تا شمع کبک تولد ۶۶ سالگی ناصر حجازی را فوت کنند. شمعی که حالا حالا‌ها به نظر نمی‌رسد خاموش شود.

حجازی، مازیار فکری‌ارشد، مجری-کارشناس این مراسم گفت که حتی ما پرسپولیسی‌ها هم ناصر حجازی را دوست داریم. او چند دقیقه‌ی بعد از پیشکش‌وتان فوتبال بیژن طاهری، محمد

### من چگونه مستندساز شدم؟

### مستند می‌سازم تا حالم بهتر شود

توضیح داد که مستندهایی به نام مستند اجتماعی هم وجود دارد. مهم‌ترین مصائبی که ما مستندسازها با آن مواجه هستیم، این است که هیچ نهادی وجود ندارد که به طور حرفه‌ای پشت سر مستندساز بایستد. جدا از مرکز گسترش، واقعا مرکز وجود ندارد که طرح‌های ما مستندسازها را بخواهد. در بقیه‌ی مراکز به این صورت است که آن‌ها طرح‌هایشان را به مستندساز سفارش می‌دهند. این سفارش‌ها باعث می‌شود که مستندساز نتواند دغدغه‌هایش را به فیلم اضافه کند و باید طبق سفارش داده شده، مستند بسازد. مستندساز هم تا حدودی تن می‌دهد چون برای ساخت فیلم مستند بودجه و اسپانسر پیدا کردن، اصلا کار راحتی نیست و در نهایت به بهترین جایی که می‌توانیم کار کنیم مرکز گسترش سینمای مستند است. مستندساز هیچ وقت نمی‌تواند برای تحقیق و پژوهش وقت درست و حسابی بگذارد. چون نه بودجه‌ای برای این کار در نظر گرفته می‌شود و نه مستندساز به لحاظ مالی می‌تواند چنین زمانی برای این کار بگذارد. الان که نگاه تلویزیونی به مستندسازی هم به شدت تاثیر گذار بوده است. نگاهی خنثی که باعث می‌شود به سرعت مستند را بسازد، تدوین کند، با همه‌ی اصلاحیه‌ها کنار بیاید و برای پخش از تلویزیون آماده کند. متأسفانه این کاری است که تلویزیون با مستندسازهای ما دارد انجام می‌دهد.

یکی از دغدغه‌های امروزی که در آن زندگی می‌کنم. من اصلا نمی‌توانم یک فیلم تاریخی مربوط به چند هزار سال پیش بسازم. برای این که بتوانم آن را بسازم، باید آن را به شرایط حال بیاورم. این نگاه در همان اولین مستندی هم که ساختم وجود داشت. «اسب چوبی» درباره‌ی یک آیین قدیمی است اما آن را به یک داستان معاصر تبدیل کردم. خیلی برایم مهم است که سوره‌ها حرفی برای امروز جامعه‌ی من داشته باشد. البته من اصلا مستندساز ایده‌آل‌گرایی نیستم که فکر کنم مستندهای من چه تغییری در جهان اعمال می‌کند. من مستند می‌سازم تا حال خودم و چند نفری که فیلم من را ببینند، بهتر شود. اساسا فکر نمی‌کنم که مستندهای ما بتواند باعث دگرگون کردن جهان یا ایجاد تغییری در آدم‌ها شود. حتی اگر این ایده را هم داشته باشیم، اول باید فکری به حال جدی گرفته شدن مستندسازها کنیم. این جدی گرفته نشدن در تمام عرصه‌ها از تولید تا اکران وجود دارد. در واقع مستندساز به غیر از جشنواره‌ی «سینما حقیقت» و اکران‌های بسیار محدود در گروه «هنر و تجربه»، جای دیگری برای عرضه ندارد. یکی از مهم‌ترین مشکلات ما عرضه‌ی این آثار است. اصلا تلویزیون بابت این مستندهایی که تولید می‌شود، پولی به سازنده‌هایش پرداخت نمی‌کند. مخاطب‌های مستند، مخاطب‌های مستندهای گزارشی تلویزیون می‌شوند. در این فضا نمی‌شود به مخاطب

### مهدی بخشی مقدم

متولد ۱۳۴۷ در سبزوار است. اوفوق لیسانس سینما دارد و برای مستند «اسب چوبی» دیپلم افتخار بهترین فیلم مستند راز دهمین جشن تصویر سال دریافت کرده است.



من خیلی اتفاقی مستندساز شدم و اصلا برنامهریزی شده نبود! اصلا نمی‌خواستم مستندساز شوم، می‌خواستم فیلم‌ساز شوم. من سال ۹۰ رشته‌ی سینمای دانشگاه تهران قبول شدم. من همان سال برای یک کار کلاسی یک مستند ساختم. ماجرای ساخت این مستند هم از این قرار بود که استادمان با مرکز گسترش سینمای تجربی و مستند صحبت‌هایی کرده بودند که طرح‌های خوبی که در کلاسشان مطرح می‌شود، در مرکز گسترش تولید شود. اولین مستندم «اسب چوبی» ما حاصل این کلاس بود و در مرکز تولید شد. این تجربه این نگاه را به من داد که در سینمای مستند می‌توانم با مخاطب‌هایم بی‌واسطه صحبت کنم. بعد از این هم کم‌کم جنس داستان‌هایی که سراغم آمد، مستند بود. الان دغدغه‌های من کاملا اجتماعی است. حتی اگر سوره‌های تاریخی و زیست‌محیطی هم داشته باشم، آن‌ها را به حال حاضر و معاصر می‌آورم و تبدیلش می‌کنم به

### حقیقت‌یاب

### ما خیلی پر مصرفیم

امین محمدی

روزنامه‌نگار

فرض کنید رامید جوان بخواهد مستندی درباره‌ی بحران آب بسازد. این مستند چگونه خواهد شد؟ ما که فکر می‌کنیم چیزی بشود شبیه «خندوانه». برای همین نشستیم فکر کردیم دیدیم (ترکیب سه تایی افعال را حال کردید؟! تازه تعریف از خود نباشد که ۱۹ تایی‌اش را هم بلدیم؛ «داشتم می‌رفتم دیدم گرفت نشست گفتم بذار بپرسم ببینیم میاد نمیداد دیدم می‌گه نمی‌خوام بیام بذار برم بگیرم بخواهم») «خندوانه» ای که قرار است با موضوع «آب هست ولی کم هست» روی آنتن برود چه سر و شکلی خواهد داشت. فعلا پلاتو را داشته باشید تا اگر رامید با آن OK بود، بقیه‌اش را هم یک روزی برایش بنویسیم. این شما و این «خندوانه»ی بحران آبی.

پس از پخش تیتراژ، رامید جوان می‌آید وسط گود و شروع می‌کند به آن دوربین بالای خیره شدن. یکی از همان دوربین‌های باکلاسی که احتمالا نصب آن زیر سر محمدرضا شهیدی فرد است.

پلاتو: سلاام. خوبین؟ حالتون چطوره؟ [حضار جواب می‌دهند] حالتون چطوره؟ [حضار بلندتر جواب می‌دهند] یه جور می‌خوام جواب بدید سقف استودیو خراب شه رو سرمون. حالالتون چه طورره؟ [حضار نعره می‌کشند] آخیش. [نفس عمیق می‌کشند] چقدر خوبیم ما. نه؟ چقدر قشنگیم. کمر بنده‌تونو ببندید. سفتش کنید. آهان.

رفقا، امروز می‌خوام راجع به یه موضوع خیلی مهم باهاتون صحبت کنم. یه سرمایه‌ی ملی، یعنی آب. ما خیلی پر مصرفیم. خیلییییی. نسبت به کشورهای دیگه خیلی آمون کمه. یه پیشنهاد دارم. همین شمایی که الان نشستی پای برنامه پاشو. آره خود شما. پاشو. برو دستشویی بین از جایی آب چکه نمی‌کنه. برو آشپزخونه. یه نگاهی به حیات‌خونه‌تون بکن ببین شیر آبی باز نیست. یه نگاه به کوچه بکن ببین کسی بی خود آبو هدر نمی‌ده؟

رفقا آب خیلی مهمه. مایه‌ی حیاته. چرخ صنعت رو می‌چرخونه. چرخ اقتصاد رو می‌چرخونه. آب نباشه غذایی نیست، درآمدی نیست، شغلی نیست، اسپانسری نیست، حتی «خندوانه» و رامیدی هم نیست. پس اگه دوست دارید «خندوانه» هم چنان پخش بشه آب رو هدر ندید. جوون عزیزهاتون هدر ندید. راستی، راستی اینم بگم. اگه دوست دارید به کمپین ما که برای بحران آب تشکیل شده پیوندید، هر عددی رو که دوست دارید، توی سامانه‌ی ستاره‌ی نهصد و فلان مربع شماره‌گیری کنید و بعدش کمپین «خندوانه‌های صرفه‌جو» رو و انتخاب کنید. ما خیلی صرفه‌جوییم. خیلییییی.